



# تاریخچه معارف در ایران

بازخوانی گزارشی از  
رویکرد ایرانیان به گسترش  
فرهنگ و ایجاد موسسات آموزشی

مرضیه یزدانی

است.

ج) گزارشهای فردی (گزارشهایی که افراد با اهداف و گرایشهای مختلف به مراکز دولتی ارسال می‌نمایند).

با توجه به ارزش تحقیقی و حجم بسیار گزارشهای دولتی، بایسته است که در فرصتهای تحقیقی بسیاری به بازپردازی آنها پرداخته شود. ولی در استفاده از این اسناد باید ملاحظاتی چند را در نظر داشت که در جای خود و در حین بررسی کاربردی گزارشها بدان اشاره خواهد شد. به طور کلی گزارشهای دولتی به لحاظ کاربردی به دو گونه تهیه می‌گردند:

الف) گزارشهایی که برای درج در روزنامه‌های دولتی (مانند ایران امروز) و سالنامه‌ها (مانند سالنامه پارس و...) جهت تبلیغات دولتی به مرکز ارسال می‌شد. این گزارشها نوعاً با عکس بوده و می‌بایست درباره داده‌های اطلاعاتی آن بسیار تدقیق نمود. چه، کاربرد تبلیغی آن بر نحوه تهیه گزارش تاثیر بسیار گذاشته و بسیاری از اقدامات و برنامه‌های در حال اجرا و یا در مرحله برنامه‌ریزی را به شکل کامل ارایه می‌دهد. البته به طور کلی نیز

بازخوانی گزارشهای تاریخی، صرف نظر از خاستگاه و هدف نگارش آن، در تاریخنگاری تاریخ معاصر ایران دارای ارزش پژوهشی خاص می‌باشد. مجموعه‌های اسنادی پیش و پس مشروطه آکنده از چنین گزارشهایی است که هر یک جایگاه ویژه‌ای در بازپردازی جریانه‌ها و رخدادهای تاریخی دارند. در این میان «خزانه سازمان اسناد ملی ایران» یکی از مهمترین محل‌های نگهداری گزارشهای دولتی پس از مشروطه است که از دایره و بخشهای مختلف یا وزارتخانه‌ها و سازمانها برای بررسی و اتخاذ تصمیمات لازمه تهیه و به مراجع ذی صلاح تسلیم گردیده است.

البته در یک نظر می‌توان اسناد گزارش گونه خزانه سازمان اسناد را به سه دسته تقسیم نمود:

الف) گزارشهای دولتی (گزارشهایی که در چارچوب تشکیلات اداری و دولتی تنظیم و ارسال گردیده است).

ب) گزارشهای جمعی (گزارشهایی که در جریان حوادث اجتماعی، سیاسی، اقتصادی توسط گروهی از مردم به نهادهای دولتی ارسال گردیده

نمی‌توان ارزش اطلاعاتی و اسنادی آنها را از نظر دور داشت.

ب) گزارشهایی که جنبه داخلی و درون سازمانی داشته و انگیزه تهیه آن ارزیابی وضع موجود و برنامه‌ریزی در آینده و رفع مشکلات و کاستی‌های احتمالی است. این نوع گزارشها به لحاظ آماری، ترسیم چارچوب کنونی و بیان کاستی‌ها و ارزیابی پیشنهادها، دارای ارزش کاربردی ویژه‌ای است که اغلب به مراکز تصمیم‌گیری و بالاترین مراجع دولتی ارسال می‌شده است که دربردارنده مسایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، انتظامی و... می‌باشد.

در چارچوب تشکیلات داخلی اداری، برخی از گزارشهای دولتی به صورت «تاریخچه» نگاشته شده است که به صورت دوگانه هم دارای ارزش تبلیغاتی و هم دارای ارزش تحقیقی است. چراکه اغلب در این گزارشها از ایجاد، پیشرفت مرحله به مرحله و مشکلات و مسایل مربوط به آن در برشهای زمانی مختلف، اطلاع داده می‌شود. در این مرحله روش شناسی مناسب، برای تشخیص داده‌های صحیح از سقیم، بهره‌گیری از منابع و شاخص‌های اطلاعاتی موازی (به لحاظ موضوعی و زمانی) است که ضریب اطمینان از «داده‌ها» را تا حدود بسیار زیادی تعیین می‌نماید.

سندی که در این مقاله بدان پرداخته شده از نوع گزارش دولتی به گونه «تاریخچه‌ای» است؛ که بر تبیین وضعیت معارف ایران پیش از اسلام تا سال نگارش گزارش (۱۳۱۳ ش) پرداخته است. اهتمام بر این قرار گرفت که با استفاده از روش شناسی مورد ذکر، ارزیابی اطلاعات مطرحه در این اسناد دقیق و تاریخی باشد.

## ویژگیهای گزارش

۱) در این سند، گزارش مورد نظر به دستور شورای احصاییه تهیه گردیده است. این امر می‌نماید که کاربرد احتمالی آن در حوزه آماری و برنامه‌ریزی بوده که در جای خود ارزش اسنادی موارد مطرح شده در آن را افزایش می‌دهد.

۲) نگارنده گزارش بر این اعتقاد است که جریان و روند معارف ایران معاصر نتیجه اقتباس معارف اروپا بوده و تاکید بر «زمانهای اخیر» دارد. به همین دلیل است که با وجود محدوده زمانی وسیع گزارش - که به پیش از اسلام می‌رسد - هرچه به زمان نگارش نزدیکتر می‌شویم از میزان شمارگونگی و کلی بودن آن کاسته شده و میزان انطباق آن با واقعیات تاریخی بیشتر می‌گردد.

۳) نگرش نگارنده گزارش که در متن کاملاً مشخص می‌باشد، تکیه بر قوم‌گرایی و در برخی نکات ناسیونالیستی افراطی است. به عنوان مثال درباره حضور اسلام و نقش ایران در معارف این دوره می‌نویسد: «... اصلاً نهضت علمی اسلام در قرن اول و دوم هجری کار ایرانیان است و تمام علوم متداول عصر خود را از سریانی و پهلوی به عربی نقل کردند... البته با آن که نقش ایرانیان در پیشرفت علوم دوره اسلامی، عامل بسزایی بوده است، اما از طرف دیگر باید اذعان نمود که درآمیختگی فرهنگها و تمدنهای سرزمینهای اسلامی که از شمال آفریقا تا هند و آسیای میانه

کشیده شده بود، دستاوردهایی را به دنبال داشت که اساساً هیچ ملتی نمی‌تواند آن را اختصاصاً متعلق به خود بداند. یا در جایی دیگر ضمن برشمردن مراکز فرهنگی ایران از ظاهریان تا صفویه می‌نویسد: «... قطعاً اگر ایرانیان در هر رشته‌ای مطالعات و کشفیات و اختراعات نکرده بودند، تمدن و معارف امروز بدین پایه نمی‌رسید...» و بعد به طریقی که به دیدگاه شونیستی<sup>(۱)</sup> نزدیکتر است می‌نویسد: «... مسلم است که در فراهم آوردن این اساس علمی امروز دنیا سه قوم بیشتر شرکت نکرده‌اند؛ نخست یونانیان و رومیان قدیم، دوم ایرانیان، سوم اروپاییان...».

این دیدگاه یعنی وطن پرستی افراطی، در سالهای حکومت رضاشاه و در جریان برجسته ساختن تمدن ایران پیش از اسلام بسیار رواج داشته است. همچنان که محتوای این گزارش می‌نمایاند هیاهوی مرکزیت تمدن ایرانی از اهداف نگارنده یا نگارندگان به شمار می‌رفته است. اما درست در مرحله‌ایی که برای نیل به این مقصود می‌بایست تبادل و همفکری تمدن ایران و یونان به تصویر کشیده شود؛ نگارنده یونانیان را متقدم از ایرانیان کرده، در حالی که امروزه بحث‌های فراوانی از چگونگی اقتباس یونانیان از علوم ایران جاری است<sup>(۲)</sup>.

۴) گزارش، جریانهای فرهنگی ایران را به دوره‌های شش گانه تقسیم نموده است. تقسیمات آمده در گزارش اگرچه در تعیین ارزش تاریخی آن تاثیر مستقیم ندارد؛ اما در بررسی روایی (Validity) گزارش و تفکیک دلایل بی‌شمار تحولات فرهنگی ایران اهمیت می‌یابد. این تقسیم بندی به صورت واضح انجام نگرفته و ذکر مشخص دوره‌ها از دوره چهارم شروع شده است. ولی با تدقیق بیشتر در این اسناد می‌توان مقصود نگارنده را از دوره‌های معارفی ایران به صورت کلی این گونه مشخص نمود:

- دوره اول از تمدن ایران پیش از اسلام تا ابتدای صفویه

در واقع ریشه یابی رویکرد به تعلیم و تربیت در ایران با شناخت دقیق از جریانهای معارفی ایران پیش از اسلام میسر می‌گردد. با این مبنا همواره کارکرد نهادهای دینی و تربیت مذهبی معها و موبدان و تعلیم زرتشت در تعلیم و تربیت آن زمان مهمترین رکن به شمار می‌رفته است<sup>(۳)</sup>. نیز این مهم را می‌توان در محتوای گزارش حاضر پی گرفت. تشریح وضعیت فرهنگی آن دوره و توجه تعلیم مذهبی به علوم خاص نظیر معماری، هنر، نجوم و... تاییدی بر این مطلب است.

ظهور اسلام نیز منشا تحولات علمی و فرهنگی بی‌شماری است که ماثر شدن جامعه ایرانی از نهضت ترجمه (قرن سوم) و قرار گرفتن ایران در شاهراه تبادلات علمی و فرهنگی جهان اسلام همه و همه در این تحولات نقش به سزایی داشته است. سند مورد بحث توالی تاریخی سلسله‌های ایران بعد از اسلام و بیان جغرافیای تاریخی آن دوره را به خوبی انجام داده است.

۵) دوره دوم از دوره صفویه تا صدارت میرزا تقی خان امیر کبیر دوره صفوی و تلاش در تشکیل مذهبی و فرهنگی جامعه بعد از استوار شدن ارکان اقتصادی کشور، در تاریخ ایران از اهمیت خاصی برخوردار



است<sup>(۴)</sup>. در واقع گزارش حاضر نیز مبادت‌تغییرات فرهنگی و معارفی ایران را از دوره صفویه و آشنا شدن ایرانیان با اروپاییان می‌داند، به این ترتیب که «... در زمان صفویه مخصوصاً شاه عباس اول نهضتی در ایران برای قبول فنون جدید اروپا پدیدار گشته بود و استادانی از بعضی ممالک اروپا به خدمت ایران دعوت شده بود...» در خلاصه‌ای نیز به تشریح رویکرد مبلغین و مسافری اروپایی به ایران برای مقاصد سیاسی و تجاری پرداخته شده است. همچنین ذکر دو سده (یازدهم تا سیزدهم هجری) از اغتشاشات داخلی ایران، عمده‌ترین علت عقب افتادگی کشور از کاروان علم و معرفت عنوان شده که ملل اروپا را در راه دانش پیش انداخته است. گزارش حاضر در بیان تحولات فرهنگی این دوره تنها به علوم محض محدود نشده و به مسایل بهداشتی، هنری، چاپ کتاب، مستشرقین و... نیز پرداخته است. بحثی که درباره تاریخچه ترجمه و چاپ کتاب و تأسیس چاپخانه و صنعت طبع در ایران دارد، دارای جایگاه ویژه‌ای است. بر این اساس مهمترین اقدامات دوره دوم معارفی ایران، چنین برشمرده شده است:

- چاپ اولین کتاب در مطبعه آرامنه جلفا.

- چاپ رساله «فتح نامه» به عنوان اولین نوشتار در مطبعه چاپ

سربی «تبریز» در سال ۱۲۲۷ ه.ق به هنگام جنگهای ایران و روس.

- ترجمه کتاب «تاریخ اسکندر» به عنوان اولین کتابی که از

انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

- اعزام محصل به اروپا:

در این دوره که علی‌رغم درگیری‌های گاه و بیگاه، در داخل کشور نوعی حکومت متمرکز به وجود آمده بود؛ صاحب منصبان انگلیسی و فرانسوی برای تشکیل ارتش جدید به ایران راه پیدا کرده بودند و به رقابت از یکدیگر آمادگی کشور خود را برای پذیرفتن محصلان ایرانی اعلام می‌داشتند. این قضیه به همراه آشنایی و قبول فنون اروپا در ایران از جمله عواملی بود تا دولت حاضر شود از خزانه خود مبلغی برای تعلیم و تربیت بردارد. در نتیجه در سال ۱۲۲۵ ق. به ابتکار «میرزا عیسی قائم مقام» وزیر عباس میرزای ولیعهد، نخستین دسته دو نفری برای تحصیل به لندن اعزام شدند. با این که امکان تامین معاش آنها با دشواری روبرو شد «عباس میرزا» بعد از پنج سال، پنج نفر دیگر از جمله «میرزا صالح شیرازی (کازرونی)» را برای زیان و مترجمی، «میرزا رضا صوبه دار» را برای توپخانه، «میرزا جعفر مهندس (مشیرالدوله اول)» را برای مهندسی و «میرزا جعفر» دیگری را برای تحصیل شیمی و طب و «محمدعلی چخماق ساز» را برای کلید و قفل سازی به سرپرستی کلنل «دارسی» انگلیسی به لندن فرستاد<sup>(۵)</sup>. متن گزارش مورد بحث نیز به این قضیه چنین اشاره دارد: «... نخستین بار در سال ۱۲۲۵ یک نفر برای تحصیل طب به انگلستان فرستادند و سپس در ۱۲۳۱ ق. پنج تن دیگر برای فراگرفتن علوم مختلف به انگلستان روانه کردند... در ۱۲۶۰ ق. اعزام ۵ محصل دیگر به فرانسه... اتفاق افتاد. این جریان در حقیقت زمینه‌ای برای پذیرش فعالیت‌های امیرکبیر بود که در

نهایت انقلاب مشروطیت را فراهم آورد.

دوره سوم معارفی ایران با صدارت میرزا تقی خان امیرکبیر آغاز می‌شود. این دوره نقطه عطف تحولات فرهنگی و علمی در نظام آموزشی ایران و به تعبیر دیگر مبدا آموزش و پرورش جدید می‌باشد. مهمترین اقدام این دوره تأسیس و کارکرد دارالفنون است که در سال ۱۲۶۸ ق. افتتاح گردید. در واقع در این دوره «امیرکبیر» لزوم تأسیس مکانی ثابت و مشخص را برای تربیت دانشجو در داخل کشور تشخیص داده و با شناختی که از اهمیت این امر در کشورهای اروپایی داشت، آن را پی‌گیری کرد تا سرانجام به تأسیس دارالفنون انجامید<sup>(۶)</sup>. در متن گزارش حاضر نیز در تأیید این مطلب چنین آمده: «... در مدت متجاوز از چهل سال نهضت علمی مهمی در نیمه قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم در ایران فراهم آورد... همچنین از دیگر ترقیات این دوره متذکر می‌شود:

- تأسیس روزنامه‌های مرتب جهت انتشار اخبار سیاسی و علمی ایران و اروپا و نامهای مختلف آن.

- تأسیس وزارت علوم به عنوان وزارتخانه خاص برای امور

معارف به ریاست «علی قلی میرزا اعتضاد السلطنه» در سال ۱۲۷۲ ق:

جدای از این گزارش، دیگر منابع اعتضاد السلطنه را از معدود رجال مترقی این دوره دانستند که یکی از مهمترین کارهای وزارتخانه معارف در زمان تصدی وی فرستادن چهل و دو تن از دانش آموختگان دارالفنون به فرانسه بود<sup>(۷)</sup>. اینان در ۱۲۷۶ ق. به پاریس رفته و پس از چند سال به وطن بازگشتند و منشا آثار مهم در ایران شدند. به طور کلی وزرای معارف در ایران نقش مهمی در گسترش و صورتبندی نظام معارفی کشور برعهده داشتند. هریک بنابر تشخیص و تحصیل و رای خود برنامه‌های خاصی را اجرا نمودند. «احمد عبدالله پور» در کتابی به نام وزرای معارف ایران به خوبی این موضوع را تشریح نموده است. وی می‌نویسد: «... به عنوان مثال قبل از وزارت «نیرالملک» سطوح آموزشی مدارس ترتیب و سیاق مشخص نداشت، وی دوره‌های معینی را برای تحصیلات تعیین کرد که براساس آن مدت تحصیل در مکاتب ابتدایی چهار سال در نظر گرفته شد. شاگرد در سن ۷ سالگی وارد مدرسه شده و در سن ۱۲ سالگی دوره ابتدایی را به پایان می‌رساند... وی صاحب کتاب «رساله مفتاح العلوم» در مورد فیزیک و شیمی و طبیعی بود و به خاطر خدمات فرهنگی نشان فرهنگستان علوم فرانسه را دریافت کرد<sup>(۸)</sup>...» یا «حسن پیرنیا» که دانشکده حقوق و علوم سیاسی را تأسیس کرد. همچنین افرادی مانند: ابراهیم حکیمی، مرتضی حقی خان (ممتازالملک)، احمد بدر (نصیرالدوله)، سلیمان میرزا، نظام‌الدین حکمت (مشیرالدوله) و...<sup>(۹)</sup> که هر یک منشا خدمات مهمی در حوزه معارف ایران بودند.

براساس گزارش حاضر از دیگر اقدامات فرهنگی این دوره می‌توان به

موارد ذیل اشاره نمود:

- چاپ نخستین مجلات علمی ایران به اسم (روزنامه علمیه دولت

علیه ایران) در ۱۲۸۰ ق.

- تاسیس اداره دارالترجمه در سال ۱۲۹۰ و تاسیس مکتب مشیره برای زبانهای خارجی در تهران.

- تاسیس کتابخانه سلطنتی و انتشار اولین سالنامه ایران.

- افتتاح اولین تأثر ایرانی در ۱۲۹۳ ق.

- تاسیس مجلس تالیف نامه دانشوران.

- تاسیس مدرسه نظام در اصفهان در ۱۳۰۰ ق.

- تاسیس مدارس دخترانه (اولین مدرسه در کرمان ۱۳۱۵ ق).

۷) گزارش دوره چهارم نهضت معارف ایران را در ۱۳۱۶ ق. و با تاسیس انجمنی به اسم (انجمن تاسیس مکاتب ملیه ایران) می‌داند. عمده‌ترین وظیفه این انجمن تاسیس مدارس جدید بود که با تکمیل نظامنامه داخلی خود از دولت نیز کمک خرج دریافت می‌داشتند. این انجمن صاحب امتیاز نشریه‌ای بود که در ماه دوبرار منتشر شده و راجع به تعداد مدارس و مکاتب علمیه و مسایل علمیه، عده شاگردان و دیگر مسایل مربوط به آن مطلب می‌نوشت<sup>(۱۱)</sup>. در اوایل مشروطیت بر تعداد این مدارس اضافه شده و اروپاییان نیز اجازه تاسیس مدارس دخترانه و پسرانه را دریافت کردند. به این ترتیب بر تعداد میسیون‌ها در شهرهای مختلف ایران نیز افزوده گردید. تأثیر میسیون‌ها را در امور فرهنگی کشور نباید نادیده انگاشت<sup>(۱۲)</sup>. در واقع با الگو برداری از نوع آموزش و تعالیم آنها بود که وزارت معارف و دیگر نهادهای آموزش شخصی کشور توجه بیشتری به علوم و به خصوص تعلیم و تربیت دختران معطوف داشتند. کسانی که به ایران مسافرت می‌کردند در مورد مدارس خارجی گزارشهایی را در ایران منتشر ساختند که منجر به ایجاد تحریکات اجتماعی گردید. انتقادات و عقاید در ارتباط با لزوم ایجاد مدارس نوین و ایجاد آگاهی در مردم برای آموزش فرزندانشان در روزنامه‌ها منتشر شد. یکی از کتبی که در این رابطه علاقه و اشتیاق مردم را به آموزش نوین برانگیخت «سفینه طالی» یا «کتاب احمد» طالبوف تبریزی بود. رضا آراسته در کتاب خود در این ارتباط چنین می‌نویسد: «... با تاسیس مدارس به سبک جدید بود که منافع حاصل از سوادآموزی و تحصیل آشکار گردید، همچنان که شهرنشینی و جنبش‌های آزادینخواهانه رشد می‌کرد تقاضا برای ایجاد مدارس جدید نیز افزایش می‌یافت. مدارس جدید در ارایه جامع‌تر و عملی‌تر موضوعات و مواد درسی نسبت به آموزش سنتی تفاوت فراوان داشت. این مدارس رابطه‌ای گرمتر و دوستانه‌تر بین معلم و شاگرد ایجاد می‌کرد و مشارکت بیشتری را از سوی والدین نیاز داشت. این مدارس همچنین کمک هزینه‌هایی را به شاگردانی که توانایی پرداخت هزینه نداشتند، پرداخت می‌کرد...»<sup>(۱۳)</sup>.

۸) در دیگر تقسیمات گزارش حاضر، دوره پنجم ترقی معارف ایران از مشروطیت دوم ۱۳۲۸ ق. آغاز شده است. با نزدیکتر شدن به زمان نگارش گزارش (۱۳۱۳ ش.) اطلاعات بسیار دقیقتر و همراه با آمار و ارقام است. به عنوان مثال بودجه معارف و آمار و ارقام مربوط به هریک از بخشهای معارفی کشور، بررسی تطبیقی داده‌های گزارش را با سایر منابع سهلتر

می‌سازد. باتوجه به دیگر منابع، یکی از مهمترین دلایل دقیق شدن اطلاعات را می‌توان قانون اساسی کشور دانست و توجهی که به امر تعلیم و تربیت معطوف شده است. در سال ۱۳۲۹ ق. در قانون اساسی، قانون اساسی معارف گنجانده شد که قدم استوار دیگری در راه تحقق آموزش و پرورش به شمار می‌رفت. به موجب این قانون تعلیمات ابتداییه برای عموم ایرانیان اجباری شد<sup>(۱۴)</sup>. از این پس تعداد مدارس ابتدایی، عده محصلین دختر و پسر، تخصیص بودجه مدارس ایرانی در خارجه، بودجه دارالفنون، حق تحصیل شاگردان ایرانی در اروپا و... در بودجه معارف براساس قانون مصوب، مشخص شد که در این گزارش نیز بدان پرداخته شده است.

۹) عمده‌ترین پیشرفتهای فرهنگی ایران که اساس و چگونگی بنیان آن تا به اینجا عنوان شد، از سال ۱۲۹۷ ش. رو به رشد گذاشت. در این گزارش نیز درخشان‌ترین دوره معارفی کشور «دوره ششم» و از سال مذکور تا زمان نگارش گزارش ذکر می‌شود. در واقع از این زمان رویکرد به دانش و تحصیلات بستر خود را در جامعه برای پیشرفت پیدا نمود و تسهیلات بیشتری در اختیار طالبان علم قرار گرفت. با تمام این توصیفات «باری بر» در کتاب خود در این زمان تعداد باسواد کشور را کمتر از ۵ درصد کل جمعیت کشور برآورد می‌کند<sup>(۱۵)</sup>. به نظر می‌رسد همین درصد در مقایسه با ادوار نه چندان گذشته کشور تحول مثبتی بوده باشد. زمانی که رضاشاه در صحنه قدرت ظاهر شد - به دنبال روند توسعه فرهنگی کشور - بیش از ده هزار دانش آموز در مدارس ملی (مدارس دولتی و خصوصی و نه مدارس مذهبی) تحصیل می‌کردند<sup>(۱۶)</sup>. گزارش حاضر نیز در خلاصه‌ای از اطلاعات خود عده شاگردان دختر و پسر را در مدارس سنتی و جدید و تعداد این مدارس را در سالهای تحصیلی ۱۲۹۷ - ۱۳۱۳ ش برآورد ساخته است. برای بررسی تطبیقی داده‌های این گزارش به منابع دقیقتری دسترسی پیدا شد. از جمله «ماروین زونیس» می‌نویسد تا سال ۱۹۳۶ م. (۱۳۰۵ ش) تعداد ۵۵۶۵۰ پسر و دختر در مکتب‌ها درس می‌خواندند در مقابل ۱۷۷۰۰۰ که در مدارس ابتدایی جدید مشغول بودند<sup>(۱۷)</sup>. «الول ساتن» و دیگر محققان به بررسی ساختار فرهنگی و آموزش ایران در این سالها پرداختند. در واقع در سالهای ۱۳۰۰ به بعد، بعد از شناخت کارکرد ناموزون آموزش و برای جذب بیشتر افراد، لزوم انجام اصلاحاتی اساسی احساس شد تا ساختار آموزش جدید ایجاد شود. هدف رضاشاه نیز این بود که مدارس دولتی به سبک جدید را براساس نیازهای موجود گسترش دهد. در این راستا اولین اقدام ایجاد مرکز مشاوره عالی آموزش بود. مرکز تحقیقات لندن در کتابی با نام «ایران قرن بیستم» مشاوره عالی آموزش را مرکزی نظارتی در امر سیاستگزاری معارف و آموزش و پرورش می‌داند که اقدام بعدی آن توجه به دوره تحصیلات مدارس به سبک اروپایی و تدارک دوره آموزش معلم بود<sup>(۱۸)</sup>. یعنی همان مکانی که در محتوای این گزارش دارالمعلمین و دیگر مدارس عالیه نظیر طب و حقوق و... آورده شده است. «الول ساتن» نیز در کتاب خود هدف از این برنامه‌ها را تجدید سازمان فرهنگی کشور می‌داند. همچنین



می نویسد: «... هدف این بود که آموزش و پرورش کاملاً تحت کنترل دولت باشد، گرچه آموزشگاههای ملی و خصوصی هم به قوت خود باقی ماندند، اما از حیث برنامه‌های آموزشی تحت نظر وزارت فرهنگ درآمدند...» (۱۸).

در واقع سیاستهای آموزشی رضاشاه پایان مدارس سنتی را پدید آورد. سیستم «غیر مذهبی ساختن» مدارس به صورت یکنواخت در طول سالهای حکومت وی رشد پیدا کرد. «ماروین زونیس» در جدولی در صد دانش آموزان مدارس ابتدایی و متوسطه به سبک جدید و مدارس سنتی را از سال ۱۳۰۱ - ۱۳۴۱ ش. برآورد کرده که چرخش آمار شاگردان مدارس سبک جدید در آن کاملاً محسوس است (۱۹). این جدول در مقایسه با منابع دیگر نیز همین بازدهی را دارد (۲۰).

در این سالها توجه به اعزام محصلان ایرانی به اروپا و استخدام معلمان اروپایی در مدارس عالی نیز از ارکان مهم آموزش وزارت فرهنگ تلقی می شد (۲۱). در سال ۱۹۳۰م (۱۳۰۹ش.) و پس از فرستادن ۱۰۰ محصل ایرانی به اروپا، رضاشاه دیدگاههای خود را درباره آموزش عمومی و سایر موارد به «روزیتا فوریز» نویسنده و روزنامه‌نگار ابراز کرد. وی در پاسخ به این سوال که چرا بهترین جوانهای کشور را برای تحصیل به اروپا می فرستند، گفت: «... ما نیازمند متخصص در تمام زمینه‌ها هستیم ... غرض این است که هریک از افراد این کشور را به بهترین ایرانیان تبدیل نماییم و نیازی به کپی از اروپا نیست زیرا دانشجویان در پشت سر خود فرهنگ و رسوم خاص دارند ... من می‌خواهم هر کدام از آنها ارزشهایشان را بیاموزند که در آن صورت در ذهن و عمل مستقل خواهند گردید...» (۲۲).

بحث در مورد میزان انطباق این مسأله با آنچه که بعدها به عنوان معضل «غربگرایی» در ایران خوانده می‌شد و چگونگی تاثیر پذیری این دانشجویان از فرهنگ غرب از حوصله این مقاله خارج است. اما آنچه که حائز اهمیت می‌نماید این است که با تکیه بر گزارش حاضر در میان این محصلان تعدادی از دختران ایرانی نیز بوده‌اند. دیگر منابع موجود نیز این موضوع را تایید می‌نماید (۲۳). با این همه سیاست حمایت از آموزش عمومی در دوره رضاشاه همچنان بیشترین کارکرد و اهمیت را داشت. «دونالد ویلبر» رشد آموزش عمومی در سطح ابتدایی را شگفت‌آور ذکر می‌نماید. به این ترتیب که در سال ۱۹۲۲م (۱۳۰۱ ش) تعداد ۵۵۱۳۱ دانش آموز در تمام مدارس کشور وجود داشته که در ۱۹۲۶م (۱۳۰۵ ش) این تعداد به ۹۱۱۹۰ نفر و در ۱۹۳۶م (۱۳۱۵ ش) به میزان ۲۵۷۵۵۷ نفر بالغ گردیده است و بالاخره در هنگام تبعید رضاشاه جمع دانش آموزان به ۵۰۰۰۰۰ نفر برآورد شده است (۲۴). برخی منابع نظیر «ایران قرن بیستم» این مهم را پیشرفت تدریجی دانسته که از آموزش سنتی (مکاتب) بسیار فراگیرتر بوده و غیرمستقیم به آزادی تحصیلات زنان در رده‌های بالاتر کمک کرده است (۲۵).

به غیر از پیشرفتهای مذکور، در گزارش مورد نظر نیز به اقدامات دیگر فرهنگی این زمان اشاره مفصلی شده است. از جمله آنها «اصلاح کتابهای

درسی به سبک و سیاق نوین» را می‌توان برشمرد. در واقع این مسأله نیز به دنبال تاکید بسیار حکومت رضاشاه بر روی آموزش و پرورش شکل گرفت. که در این میان پرداختن به کتب درسی و ترسیم آن در چارچوب اهداف آموزشی، بسیار مورد توجه بوده است. این تفکر بعد از مشروطه‌خواهی کماکان وجود داشت اما از نخستین سالهای حکومت رضاشاه، اقدامات برنامه ریزی شده در این زمینه صورت گرفت. اقدام در جهت تدوین کتب درسی در اواخر حکومت رضاشاه به «کمیسون تدوین کتب درسی» سازمان پرورش افکار بازمی‌گردد که نشان دهنده:

۱- نارضایتی از کتابهای تدوین شده

۲- اصرار بر ترسیم این کتب براساس اهداف خاص آموزشی می‌باشد (۲۶).

همچنین در دیگر اقدامات فرهنگی این دوره براساس گزارش حاضر به مواردی از این دست اشاره شده است:

- تاسیس (انجمن آثار ملی) برای تجلیل از بزرگان ایران و پاس خدمات مفاخر فرهنگی.

- حفريات علمی باستان شناسی:

این گرایش در زمان ناصرالدین شاه و توسط خارجیان پایه ریزی شد. مهمترین هیاتی که در این زمینه نایل به اکتشافات زیادی گردید، فرانسوی‌ها بودند. بعدها با انقلاب مشروطه و تصویب قانون عتیقات سیاست‌هایی اعمال گردید که نظارت دولت را در امر حفريات ممکن می‌ساخت (۲۷).

- توجه به امور تربیت بدنی (تاسیس دارالمعلمین ورزش) (۲۸).

- توجه به دارالتربیت‌ها و دارالایام‌ها.

- قانون طبابت (۲۹).

- توجه به آموزش بزرگسالان (۳۰).

- ترویج زبان فارسی (فرهنگستان) (۳۱).

و مهمترین حرکت فرهنگی این زمان که در واقع تکمله تمام اقدامات فرهنگی و سمبل برنامه‌های فرهنگی دوره رضاشاه محسوب می‌گردید، قانون دانشگاه تهران بود (۳۲).

با ذکر تاسیس دانشگاه در ایران که نقطه عطفی در اقدامات فرهنگی به حساب می‌آید، گزارش به پایان می‌رسد. پس از تاسیس دانشگاه تهران، جریان معرفی کشور هم به لحاظ ساخت و ساز مراکز فرهنگی و مدارس و هم به لحاظ سیاستهای فرهنگی شکل و شتایی دیگر می‌گیرد. اصرار و تاکید بر برخی آموزه‌ها و ایجاد فضای جدید آموزشی و پرورشی، متأثر از مقتضیات سیاسی و اجتماعی، پیامدهای متعددی به همراه داشت. به عبارت دیگر پس از دهه اول حکومت رضاشاه به نظر می‌رسد که جریان‌های معارفی باید در حوزه‌های:

الف) روند رشد کمی مدارس و مراکز و سازمانهای فرهنگی.

ب) سیاستهای فرهنگی - اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد.



## سرانجام سخن

می‌بایست خاطر نشان شود که گزارش مورد نظر، اگر همراه با سایر منابع و گزارشهای درج شده در نشریات (مجله تعلیم و تربیت، ایران امروز و...) و اسناد و منابع دیگر، متن آمیزی (intertextual) شود؛ می‌تواند در بازنمایی وضعیت «معارفی» ایران در دوره معاصر - به ویژه دوره پهلوی اول - موثر افتد. به تعبیری دیگر تعامل هریک از داده‌های تاریخی این گزارش با اسناد و منابع دیگر روشمندانه‌ترین نوع بازنمایی تاریخی است. و در نهایت با تحلیل اطلاعات ارائه شده به شکل گیری نسخه‌ای دقیق و ارزیابی شده از منابع آن دوره، می‌توان دست یافت.

با این همه درخصوص گزارشهای تاریخی دوره رضاشاه - به ویژه در گزارشهای نوع اول - مواردی باید مورد توجه قرار گیرد.

۱- تاکید گزارشها بر پیشرفت و رشد کمی:

در گزارشهای این دوره، آمار نقش و جایگاهی محوری دارند، افزایش تعداد مدارس، دانش آموزان، مراکز آموزشی و... نمونه‌هایی از پیشرفت کمی آموزش و پرورش است که در اکثر گزارشهای سندی و سالنامه‌های معارف و مدارس آمده است.

۲- میزان انطباق گزارشهای موجود با واقعیت‌ها:

با افزایش جنبه تبلیغی گزارشها، از میزان انطباق آن با واقعیت‌های موجود نیز کاسته می‌شود. حتی اگر گزارشی را کاملاً در چارچوب اداری و غیر تبلیغی باشد، باید در نظر داشت که مسئولان و کارگزاران در شهرها و

شهرستانها برای حفظ موقعیت اداری و سیاسی خود از آرایه گزارشهای ناصحیح خودداری نمی‌کردند. بسیاری از آنها طرحهای در دست اقدام و برنامه‌های عمرانی و آموزشی آینده را در گزارش وضع موجود می‌آوردند. این مهم را به سادگی می‌توان با مطالعه بسیاری از گزارشهای سندی خزانه سازمان اسناد ملی ایران اثبات نمود.

۳- تفاوت محتوایی هر یک از گزارشها:

گزارشهای این دوره بسته به اداره و سازمان تولید کننده و مرکز دریافت دارنده آن به لحاظ شکل، زمان بندی و محتوایی متغیر می‌باشند. که هر کدام می‌بایست با بهره‌گیری متناسب از زمینه گزارش، مورد بررسی روشمند قرار گیرد. به عنوان مثال گزارشهای شهربانی با گزارشهای وزارت معارف و وزارت خارجه با هم تفاوت‌های بسیار دارند (۴۳). این مسأله در حجم و میزان اطلاعات ارائه شده نیز قابل مشاهده است. به عبارت دیگر گزارشها دارای یکسانی کمی نمی‌باشند.

گزارشی که در این مقاله بدان پرداخته شد، از گزارشهای قابل اعتنای تهیه شده برای شورای احصاییه بوده و به همین جهت دارای حجم آماری قابل توجهی از داده‌های تاریخی است. درباره میزان روایی (validity) و اعتبار تاریخی آن، به همراه بررسی دیگر منابع می‌توان به اطلاعات قابل توجهی دست پیدا نمود. نیز نحوه تقسیم بندی این گزارش به دوره‌های شش گانه معارفی، بیانگر نحوه نگرش آن روزگار به روند معارف و گسترش فرهنگ می‌باشد.



22- Donald N. Wilber: Riza Shah Pahlavi, the resurrection and reconstruction of Iran 1878 - 1944, Exposition firstpress, Edition, 1975, P.P: 135 - 136.

۲۲- نوبه صفوی، عالم نسوان: سال هفتم، شماره دوم، ۱۳۰۵، ص ۵۷. همچنین ر.ک به گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، نشریه کتابخانه پهلوی، جلد ۲، ص ۴۴.

24- Donald Wilber: idem, P.P: 260 - 261.

25- Twentieth Century Iran, idem, P: 49.

۲۶- برای اطلاع بیشتر از تدوین کتب درسی ر.ک به فرهنگ ستیزی در دوره رضاشاه (اسناد منتشر نشده سازمان پرورش افکار)، محمود دلفانی، (تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۵)، صص ۱۲۷ - ۱۲۸. همچنین برای اطلاع از پیشینه تدوین کتب درسی ر.ک به نخستین گوشهها برای تدوین کتب درسی، محمود طاهر احمدی، گنجینه اسناد: سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۷۳، صص ۶۲ - ۷۰.

۲۷- برای اطلاع بیشتر از چگونگی حفریات باستان شناسی ر.ک به هیأت‌های باستان شناسی در ایران، مرضیه یزدانی، گنجینه اسناد: سال ششم، شماره ۲۱ و ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۷۵، صص ۹۵ - ۱۱۲.

۲۸- برای اطلاع از عملکرد و صورت جلسات تربیت بدنی و پیشاهنگی ر.ک به: تعلیم و تربیت: شماره اول، سال ششم (شماره مخصوص مجلس مشورت معارفی ۱۳۱۴)، فروردین ۱۳۱۵، صص ۲۱ - ۲۸. همچنین ر.ک به خزانه سازمان اسناد ملی ایران: کدهای ۵۰۷۱۸/۵ ورزش - ورزشکاران و ۲۰۳۳۶/۲ سازمان ملی پیش آهنگی و تربیت بدنی.

۲۹- برای اطلاع بیشتر از قانون طبابت ر.ک به سری اسناد پزشکی با کدهای: ۲۹۳/۳۱/۹۳/۱-۴ و ۲۹۳/۳۱/۸۳/۱-۱۲ و ۶۱۰۰۱۰/۳۴۵۲

۳۰- برای اطلاع از برنامه و دستور تعلیم اکابر (مصوره جلسه ۳۲۲ شورای عالی معارف ۱۳۱۲/۵) ر.ک به تعلیم و تربیت: شماره پنجم، سال ششم، مرداد ۱۳۱۵، مطبوعه مهر، ص ۲۸۱.

۳۱- برای اطلاع از قانون و مصوبات فرهنگستان ر.ک به تغییر لغات و قانون تاسیس فرهنگستان ایران ۱۳۱۴ - ۱۳۲۰، ش، محسن روستایی، گنجینه اسناد: سال سوم، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۷۲.

32- Donald Wilber: idem, Op. cit.

۳۳- سازمان اسناد ملی ایران تاکنون گزارشهای قابل توجهی را در قالب کتاب و مقاله به چاپ رسانده است. ر.ک به (۱) گزارشهای محرمانه شهرستانی، به کوشش: مجید تفرشی و محمود طاهر احمدی، (تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی، ۱۳۷۱)، (۲) گزارش محلات دارالخلافه تهران عهد ناصری، به کوشش: انسیه شیخ رضایی و شهلا آذری، (تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی، ۱۳۷۷)، (۳) گزارشی از وضعیت صنایع و موسسات آموزش فنی ایران ۱۳۱۵، ش، محمود دلفانی، گنجینه اسناد: سال دوم، پاییز و زمستان ۱۳۷۱، صص ۶۴ - ۹۴.

۱- ملت پرستی افراطی که اساس آن بر نفوت و بیزاری از سایر ملت‌ها است. ر.ک به داریوش آشوری: دانشنامه سیاسی، (تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۷۳)، ص ۲۲۱.

۲- برای اطلاع بیشتر از این بحث ر.ک به تاریخ ایران (از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی) پژوهش دانشگاه کمبریج، احسان یارشاطر و بیگومان و... حسن انوشه (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳)، جلد سوم، قسمت اول، صص ۱۸ و بعد. ۳- پژوهش دانشگاه کمبریج (تاریخ ایران): همان، جلد سوم - قسمت دوم، صص ۲۹۱ و بعد.

۴- نیز ر.ک به راجر سیوری: ایران عصر صفوی، کامیوز عزیزی، (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۲)، صص ۱۷۶ و بعد.

۵- برای اطلاع بیشتر ر.ک به احمد بیرشک و مصطفی زمانی: اقتصاد آموزش و پرورش در عصر پهلوی، (انتشارات مرکز تحقیقات، ۲۵۳۵)، صص ۶ - ۷.

6- A.Reza Arasteh: Education and Social awakening in Iran, 1850- 1965, LEIDEN, N.J, 1969, p: 57.

۷- اقتصاد آموزش و پرورش... همان، صص ۸ - ۹.

۸- احمد عبدالله پور: وزرای معارف ایران، (تهران: ناشر مولف، ۱۳۶۹)، صص ۳۱ - ۳۲.

۹- همان، صص ۴۳ - ۴۴.

۱۰- از نمره چهارم مطابق با پانزدهم شهر رمضان ۱۳۱۶ تا نمره هفتم و دوم است و چهارم شهر شوال ۱۳۱۸ این نشریه در کتابخانه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی موجود است. معارف/انجمن معارف، (تهران: بی‌نا، ۱۳۱۶ق).

۱۱- برای اطلاع بیشتر از تأثیرات میسیونرها در ایران ر.ک به جان الدر: مدارس میلفین میسچی در ایران، نشریه ایرانشهر، تهران، ۱۳۴۳، جلد دوم. همچنین ر.ک به جان الدر: تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، سهیل آذری، (تهران: انتشارات نورجهان، ۱۳۳۳).

12- R.Arasteh : idem, P.P: 69 - 72.

۱۳- برای اطلاع بیشتر از مفاد قانون ر.ک به اقتصاد آموزش و پرورش، همان، صص ۹ - ۱۳.

۱۴- ج. باری: اقتصاد ایران، (تهران: مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، ۱۳۶۳)، صص ۵۱ - ۵۲.

15- M. Etehadieh: Origins and development of the women's Movement in Iran 1906 - 1941, Iranian Studies, the Journal of the society for Iranian studies, P: 1.

16- Marvin Zonis: The political elite of Iran, Pringeton University Press, 1971, p: 33.

17- Twentieth Century Iran, Edited by Hossein Amirsadeghi, Heinemann, First published, 1977, London, P.P: 22, 49, 97 and Amir Banani: The modernization of Iran, 1921 - 1941, P: 91.

۱۸- برای اطلاع بیشتر ر.ک به اول ساتن: ایران لو یا رضاشاه کمبیر، عبدالعظیم صبوری، (تهران: انتشارات علمی، بی‌تا)، ص ۴۰۱.

19- Marvin Zonis: idem, P: 34.

20- The Cambridge History of Iran, Edited by Peter Avery, V, 7; C.U. 1991. P: 88 and R. Arasteh , idem, P: 55.

۲۱- برای اطلاع بیشتر از قوانین و تصویب‌نامه‌ها و بودجه مخصوص این سبایل ر.ک به اقتصاد آموزش و پرورش در عصر پهلوی، همان، ص ۱۱ و بعد.

**اسربرگ و نمره ندارد، تاریخ ۱۳۱۳، این گزارش به دستور شورای احصاییه در این سال به صورت یک سند در نه صفحه تاپیی توسط وزارت معارف تهیه شده است.**

## تاریخچه معارف در ایران

تاریخ علوم و معارف در ایران در مدت بیش از دو هزار و پانصد سال که آثار تمدن ایرانی باقی است درخور کتاب بسیار بزرگی است و این مختصر فقط شامل کلیات اقداماتی است که در زمانهای اخیر در نتیجه اقتباس معارف اروپا به عمل آمده است:

نژاد ایرانی از نخستین روزی که پا به دایره تمدن گذاشته نسبت به معارف توجه خاصی داشته و علم و فرهنگ را دوست می‌داشته و در رواج آن می‌کوشیده است. «زردشت» پیامبر ایران قدیم فرموده است که کودکان را در پنج سالگی به دبستان بپارند، در زمان هخامنشیان، ایرانیان از پنج تا بیست سالگی فرزندان خود را به تعلیم و تربیت می‌گماشتند.

ایران با وجود داشتن علما و دانشمندان بزرگ از اخذ علوم همسایگان هم خودداری نکرده و از هر جا ممکن شده است به خزانة دانش خود افزوده است.

هنگامی که دولت «کلده» و «آشور» به دست هخامنشیان مغرض شد. ایرانیان وارث علوم قدیم کلده و آشور شدند و نجوم و حکمت و ریاضیات و طب را اخذ کردند. و پس از آن که روابط ایران و یونان توسعه یافت و ایرانیان ممالک یونانی‌نشین را متصرف شدند حکمت و طب یونانی نیز به ایران آمد و حتی پادشاهان هخامنشی، بزرگان علمای یونان را به ایران دعوت می‌کردند. در زمانی که ایرانیان مصر را نیز فتح کردند، علوم مصریان قدیم را مانند کیمیا و طب و اخترشناسی پذیرفتند.

در دوره ساسانیان از جمله وظایف رسمی روحانیان ایران یعنی موبدان تعلیم و تربیت فرزندان ایران بود و در ضمن همان روابط علمی با یونان ادامه داشت و بلکه بیشتر شد. زیرا که در نتیجه بسط تمدن یونانی در آسیای صغیر شهرهای «ادس» و «نصبین» و «انطاکیه» و «اسکندریه» مراکز علمی دنیا شد و ایرانیان از آموزگاران معروفی که در این شهرها بودند، علوم را اخذ می‌کردند، به همین جهت علمای ایران زبان سریانی را برای فراگرفتن علوم می‌آموختند و کم‌کم مدارس شهر «گندشاپور» در خوزستان و بیمارستانهای آنجا طلاب ایرانی را از شهرهای دیگر بی‌نیاز کرد. در همین زمان روابط ایران با هندوستان و چین توسعه گرفت و علوم و صنایع هندی و چینی نیز در ایران راه یافت و به همین جهت در زمان ساسانیان مقدار کثیری کتابهای مختلف در هر علمی چه به زبان سریانی و چه به زبان پهلوی در ایران تألیف گردید که تا مدت‌های مدید در دوره‌های اسلامی منبع عمده معارف ایران، ترجمه‌های فارسی یا عربی همان کتابها بود. در این دوره صنایع ظریفه مانند موسیقی و معماری و نقاشی در ایران ترقی کرد،

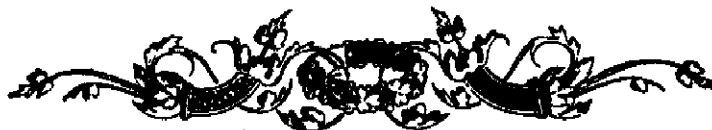
موسیقی ایرانی خالص پدید آمد و معماری نیز از نفوذهای خارجی پیراسته شد و در دوره‌های اسلامی همان معماری زمان ساسانیان را اصلاح کردند و بر زیبایی و جلال آن افزودند و معماری دوره اسلامی ایران که مخصوصاً در عهد سلجوقیان و در زمان مغول و در دوره صفویه ترقی کرد، پدیدار شد.

در آغاز تاسیس معارف اسلام ایرانیان شرکت عمده داشتند و همواره در هر عصری در تمام شعب علوم و معارف اسلامی، بزرگترین علمای اسلام ایرانیان بودند و چون زبان عرب، زبان علمی ملل مسلمان شده بود، مولفات عمده خود را به این زبان پرداختند.

اصلاً نهضت علمی اسلام در قرن اول و دوم هجری کار ایرانیان است و تمام علوم متداول عصر خود را از سریانی و پهلوی به عربی نقل کردند و علمای ایرانی که شاگردان همان دانشمندان زمان ساسانیان بودند، طلاب مسلمان را به علوم و معارف زبان خود آگاه ساختند و بزرگان ایران در شهرهای معروف ایران و حتی در شهرهای کوچک مساجد و بیمارستان‌های بسیار متعدد برای پرورش علما ساختند و موقوفات بسیار گذاشتند و دوره‌های بسیار در تاریخ ایران پدید آوردند که در آن ادوار تمام رشته‌های علم و ادب و صنایع در دربارهای ایران ترقی بسیار کرد. مانند دوره «برمکیان» در بغداد و «دینوری» و شهر «زور» و «انبار» و «کوفه» و غیره، دوره سامانیان در «سمرقند» و «بخارا» و «بلخ» و «هرات» و «مرو» و «طوس» و دوره آل زیار<sup>(۳۴)</sup> در «گرگان» و «ری» و «اصفهان» و دوره آل‌بویه در «قم» و «همدان» و «بغداد» و «کرج» و «شیراز» و دوره غزنویان در «غزنین» و «بست» و «فراه» (که در آن زمان جزو قلمرو ایران بود) و «نیشابور» و دوره سلجوقیان در تمام ایران و قسمت اعظم از قلمرو اسلام از یک سو در «کرمان» و از سوی دیگر در «بخارا» و «مرو» و از یک سوی در آذربایجان و ارمنستان و گرجستان و از یک سوی در «انطاکیه» و «شام» و از جانب دیگر در «بغداد» و «بصره» و دوره خوارزمشاهیان در «خوارزم» و «ماوراءالنهر» و در «همدان» و «ری» و «اصفهان» و دوره مغول در «مراغه» و «سلطانیه» و «بغداد» و دوره «گورکانیان» در «هرات» و «کابل» و «قندهار» و دوره صفویه در «اصفهان» و «قم» و «مشهد» و «قزوین».

در تمام این مدت متجاوز از هزار سال هرگز ایران از دانشمندان بزرگ و هنرمندان در هر فنی خالی نبوده و در هر عصری تألیفات بسیار در علوم مختلف شده است که معارف جدید اروپا دنباله مسلم آن بود و قطعاً اگر ایرانیان در هر رشته‌ای مطالعات و کشفیات و اختراعات نکرده بودند، تمدن و معارف امروز بدین پایه نمی‌رسید، زیرا مسلم است که در فراهم آوردن این اساس علمی امروز دنیا سه قوم بیشتر شرکت نکرده‌اند: نخست یونانیان و رومیان قدیم، دوم ایرانیان، سوم اروپاییان.

از اواخر قرن یازدهم تا اوایل قرن سیزدهم مدت متجاوز از صد سال ایرانی گرفتار اغتشاشات داخلی بود و سلسله‌های پادشاهان ایران یک یک جانشین یکدیگر می‌شدند و برای دانشمندان ایران وسایل امن و رفاه و تکمیل معارف [مانند] پدران خود فراهم نبود. ناچار ایران از کاروان علم و





معرفت باز پس ماند و ملل اروپا در راه دانش پیش افتادند. در ایران در اواسط قرن سیزدهم هجری توجهی نسبت به معارف جدید پدیدار شد و دولت ایران در صدد برآمد از علوم اروپا استفاده کند و در همین زمان طرز تعلیم و تربیت فرانسوی در ایران رواج پیدا کرد. پیش از آن نیز در زمان صفویه مخصوصاً «شاه عباس اول» نهضتی در ایران برای قبول فنون جدید اروپا پدید گشته بود و استادانی از بعضی ممالک اروپا به خدمت ایران دعوت شده بودند. روابط ایران و اروپا در قرن هفتم هجری شروع شده ولی متتهای بسط آن در زمان شاه عباس اول بود که مبلغین و مسافرین اروپایی برای مقاصد سیاسی یا تجاری به ایران می آمدند و در بازگشت کتابهایی در باب ایران می نوشتند، یا بعضی کتابهای علمی و ادبی ایران را ترجمه می کردند یا بالمعکس کتب مقدس «انصارا» را به زبان فارسی نقل می کردند. چنان که از سنه ۱۰۳۳ هجری تا ۱۰۹۶ چندین کتب مذهبی و فرهنگ از لاتین به فارسی و بالمعکس ترجمه شد. در نتیجه همین روابط و مخصوصاً توجهی که اروپاییان به هندوستان که فارسی زبان رسمی آن بود، داشتند؛ از آغاز قرن سیزدهم هجری توجه خاصی در اروپا نسبت به معارف ایران و ادبیات و زبان فارسی پیدا شده و عده کثیری از دانشمندان هر مملکتی به فراگرفتن این فنون پرداختند که ایشان را مستشرقین نامیدند و تا امروز نیز مشغول مطالعات خود هستند و خدمات بسیاری به معارف ایران کرده اند و کتب بسیاری از فارسی به السنه خارجه از سال ۱۰۲۳ و تا ۱۱۹۲ نوشته و چاپ کرده اند.

توجهی که در ایران نسبت به معارف جدید پدید آمد روزبه روز در افزونی بود و در آن زمان یعنی در اواسط قرن سیزدهم هجری کارهای بسیار در جلب صنایع جدید به ایران کردند. از آن جمله تعمیم «آبله کوبی» و مهندسی و نقاشی و رنگ و روغن بود. یکی از کارهای عمده دیگر اعزام محصلین ایرانی به اروپا بود و نخستین بار در سال ۱۲۲۵ یک نفر را برای تحصیل طب به انگلستان فرستادند و سپس در ۱۲۳۱ ق. پنج تن دیگر را برای فراگرفتن علوم مختلف به انگلستان روانه کردند.

دیگر از کارهای عمده این زمان آن بود که در سال ۱۲۴۲ ق در صدد برآمدند جمعی کثیر [از] مهاجرین اروپایی را برای آباد کردن و ترقی دادن آذربایجان به آن دیار جلب کنند و وعده مساعدتهای بسیار کردند، ولی پس از کوششهای [سیار] چندین سال به واسطه موانع سیاسی کامیاب نشدند. بزرگترین قدمی که در رواج معارف جدید اهمیت بسیار داشت تاسیس چاپخانه و صنعت طبع در ایران است. طبع کتب فارسی و عربی از سنه ۹۱۵ ق. در بعضی ممالک اروپا از قبیل «ایتالیا و هلند»<sup>(۳۵)</sup> و سایر نقاط از قبیل «استانبول و کلکته و مصر» شروع شد و نخستین کتاب به زبان فارسی «توراتی» است که به چهار زبان که یکی از آنها فارسی است در ۹۵۳ هجری در «استانبول» از چاپ بیرون آمد. در زمان صفویه مطبعه نیز به ایران آمده بود، چنان که جمعیت مبلغین «کرملیت»<sup>(۳۶)</sup> در اصفهان چاپخانه داشته اند و ارامنه «جلفا» نیز مطبعه برای خط و زبان خود دایر کرده بودند. در سال ۱۰۵۰ کتابی به عنوان (زندگانی اجداد روحانی) در آن مطبعه

چاپ شده است و دربار صفویه نیز چندی در صدد آوردن مطبعه فارسی به ایران بوده ولی این کاری نتیجه ماند. اولین مطبعه در ایران به سال ۱۱۹۹ هجری وارد ایران شده، ولی از مطبوعات آن چیزی به دست نیست و اولین مطبعه ای که انتشار آن به دست است، مطبعه چاپ سربی است که در حدود ۱۲۲۷ ق در تبریز دایر شده و نخستین چیزی که از مطبوعات آن باقی مانده رساله ای است به عنوان (فتح نامه) که در یکی از فتح های ایرانیان هنگام جنگ ایران و روس انتشار داده اند و این مطبعه تا سال ۱۲۴۵ ق. دایر بوده و کتاب چاپ کرده است. بعد از آن مطبعه سربی دیگری در تهران<sup>(۳۷)</sup> در سال ۱۲۳۹ ق تاسیس یافته و نخستین کتابی که انتشار داده «محرق القلوب» است که در ۱۲۳۹ ق انتشار یافته و این مطبعه تا ۱۲۷۰ ق کتاب چاپ کرده است. و پس از آن چاپ سنگی در تبریز در سال ۱۲۵۰ ق معمول شده و تا زمان حاضر ادامه دارد و پس از آن مطابع «تهران و اصفهان، ارومیه، شیراز، مشهد، بندرپهلوی، رشت، اردبیل، همدان، خوی، یزد، قزوین، کرمانشاهان، کرمان، گروس، کاشان، بوشهر، اهواز، زنجان و ساری» تدریجاً تاسیس گردیده است و همه روزه روبه افزونی می باشد.

دیگر از اقدامات مفید که در همین دوره در معارف ایران به عمل آمده، ترجمه کتابهای مفید از زبانهای اروپایی است و از آن جمله «تاریخ اسکندر» است که از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شده و این نخستین کتابی است که از زبانهای اروپایی به فارسی ترجمه شده است. پیش از آن نیز ترجمه کتابهایی از عربی به فارسی در تمام ادوار در ایران معمول بود، مخصوصاً در قرن دهم و یازدهم در زمان صفویه در ایران رواج بسیار داشته [است].

بعد از این ادوار توجه نسبت به معارف چندی در تعطیل ماند و تنها اقدام مهمی که به عمل آمد در سال ۱۲۶۰ ق اعزام ۵ نفر محصل ایرانی به فرانسه بود و اقدام مهم دیگری که به عمل آمد پیدایش نخستین روزنامه فارسی بود که اولین شماره آن که در دست است به تاریخ محرم ۱۲۵۲ ق. می باشد و این روزنامه ظاهراً اسم خاصی نداشته و در صدر آن نوشته شده (اخبار و وقایع در شهر محرم الحرام ۱۲۵۳ ق در دارالخلافه تهران انطباع یافته است).

در دوره صدارت میرزا «تقی خان امیرکبیر فراهانی» توجه خاصی نسبت به معارف ایران پدیدار شد و از سال ۱۲۶۶ ق بنای مدرسه «دارالفنون» را مطابق مدارس عالییه جدید اروپا شروع کرد و چون در سال ۱۲۶۷ ق بنای آن تمام شد وسایل افتتاح آن مدرسه را فراهم آورد و عده معلمین اروپایی و ایرانی برای هفت شعبه از علوم که عبارت از پیاده نظام و توپخانه و مهندسی نظام و سوارنظام و طب و جراحی و معدن شناسی و دواسازی بود استخدام نمود و یکصد نفر از طبقات مختلفه تهران را برای تعلیم در آن مدرسه جمع کرد و روز یکشنبه ۵ ربیع الاول ۱۲۶۸ ق. این مدرسه رسماً افتتاح یافت و به حکام ولایات دستور داده شد که از هر شهری عده ای را برای فراگرفتن علوم به این مدرسه روانه سازند. این مدرسه مدت متجاوز از چهل سال با همان اصول دایر و عده کثیری از

دانشمندان را در هر فنی آماده ساخت و نهضت علمی مهمی در نیمه قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم در ایران فراهم آورد. گذشته از علوم مذکوره سه زبان فرانسه و روسی و انگلیسی نیز در این مدرسه تدریس می شد و بعد از چندی فن نقاشی و موسیقی را بر دستور مدرسه افزودند و کتابهای مهمی چه به وسیله معلمین و چه به وسیله شاگردان از زبانهای اروپایی به فارسی ترجمه و در چاپخانه مخصوص مدرسه طبع گردید. در ادوار مختلفه این مدرسه ۱۶ معلم ایرانی و ۲۶ معلم اروپایی تدریس می کردند و به حد وسط عده شاگردان آن در هر سال قریب به ۲۷۰ نفر بود و در ادوار ۱۲ گانه آن متجاوز از ۱۰۰۰ نفر فارغ التحصیل بیرون آمدند. شاگردان مدرسه نیم شبانه روزی بوده اند. بدین معنی که ناهار<sup>(۳۸)</sup> را در مدرسه می خوردند و تمام مخارج آنها به عهده دولت بوده است و حتی کتابهای مدرسه را هم مجاناً به شاگردان می دادند.

دیگر از کارهای مهم میرزاتقی خان امیرکبیر در پیشرفت معارف تاسیس روزنامه های مرتب بود که اخبار سیاسی و علمی ایران و اروپا را منظمآ انتشار می داد. و اولین روزنامه مرتبی که انتشار یافت موسوم به «وقایع اتفاقیه» بود که شماره اول آن در ربیع الثانی ۱۲۶۷ انتشار یافت و این روزنامه هفته [ای] یک بار منتشر می شد و صفحات آن ابتدا ۴ و بعد ۸ و گاهی بیشتر می شد و در مطبعه سنگی چاپ می شد. از شماره ۴۷۱ آن را مصور کردند و تصاویر آن را میرزا «ابوالحسن خان غفاری» نقاش معروف آن زمان تهیه می کرد و از شماره ۴۷۲ مورخه صفر ۱۲۷۷ روزنامه مزبور به نام (روزنامه دولت علیه ایران) موسوم شد. و از شماره ۵۷۶ تصاویر آن حذف گردید و در سال ۱۲۸۳ ق. به اسم (روزنامه دولتی) مبدل شد و در ۱۲۸۶ دوباره به همان اسم (روزنامه دولت علیه ایران) درآمد تا بالاخره در ۱۲۸۸ تعطیل شد و به جای آن روزنامه «ایران» بیرون آمد و تا ۱۳۲۴ منتشر شد و در همین زمان تقویم ایران در ۱۲۶۷ چاپ شد.

ترقی عمده معارف ایران بیشتر از سال ۱۲۷۲ ق. شروع شد که «علی قلی میرزا اعتضاد السلطنه» که یکی از دانشوران آن زمان بود و از آغاز تاسیس مدرسه دارالفنون ریاست آن را داشت به وزارت علوم برقرار شد [و] وزارتخانه خاصی در ایران برای امور معارف تاسیس گردید.

اعتضاد السلطنه قدمهای بلند در قبول تمدن اروپا برداشت. چنان که در ۱۲۷۴ تلگراف در ایران تاسیس گردید و وزارت تلگراف نیز ضمیمه وزارت علوم شد و در ۱۲۸۰ در دربار اداره مخصوصی به اسم دارالترجمه تاسیس شد و در ۱۲۹۰ مدرسه مجانی به اسم مکتب مشیریه برای زبانهای خارجی در تهران تاسیس شد. هم در این سال کتابخانه سلطنتی تهران را ترتیب دادند و در ۱۲۹۱ اولین سالنامه ایران انتشار یافت. و در ۱۲۹۳ اولین تأثر ایرانی افتتاح گردید و در همان سال مجلسی به اسم (مجلس تألیف کتاب رجال) مرکب از یک مدیر و سه عضو و دو مترجم و یک منشی و یک کاتب و چهار پیشخدمت و فراش تشکیل یافت که تا مدتها دایر بود و بعدها به اسم (مجلس تألیف نامه دانشوران) معروف شد و مجلدات هفتگانه «نامه دانشوران» که شامل احوال بزرگان علمای ایران است و جلد

هفتم آن در ۱۳۲۴ انتشار یافت، از کارهای آن مجلس است. و در همین سال موزه سلطنتی ترتیب یافت و نیز در ۱۲۹۳ مدرسه دولتی دیگری در «تبریز» با معلمین اروپایی و ایرانی تاسیس گردید که پس از مدرسه دارالفنون دومین مدرسه جدیدی بود که در ایران تشکیل شد. در ۱۳۰۰ مدرسه نظامی اصفهان به اسم همایونی و در ۱۳۰۲ مدرسه نظامی تهران تاسیس شد. توجه دیگری که در این مدت نسبت به معارف به عمل آمد توجه خاصی نسبت به جراید بود، چنانچه نخستین مجلات علمی ایران در این زمان تاسیس یافت. و در ۱۲۸۰ شماره اول روزنامه به اسم (روزنامه علمیه دولت علیه ایران) انتشار یافت و مقالات آن به سه زبان فارسی و عربی و فرانسه نوشته می شد و این روزنامه تا شماره ۵۳ به تاریخ اول شوال ۱۲۸۷ منتشر شد. سپس در ۱۴ ربیع الاول ۱۲۸۳ روزنامه دیگری به اسم (روزنامه ملتی) انتشار یافت، و در ۱۲۹۶ روزنامه نظامی و تا ۱۳۱۱ روزنامه های دیگر به تدریج از قبیل «مریخ» روزنامه علمی، روزنامه «دانش»، روزنامه معارف «جام جمشید در «بمبئی»، «جام جهان نما» در «کلکته»، «La patrie»<sup>(۳۹)</sup> در تهران، روزنامه تبریز در «تبریز»، «فرهنگ» در اصفهان، «جریده تجارت» در تهران، روزنامه «شرف» در تهران شامل احوال بزرگان و تصاویر ایشان، و «Echo de Perse»<sup>(۴۰)</sup> و غیره انتشار یافت.

اولین مدرسه دخترانه که در ایران تاسیس شد در همین دوره بود، یعنی در سال ۱۳۱۵ در قریه «چالیاس» از توابع کرمان و نیز در این دوره ترجمه از زبانهای اروپایی به حد کمال رسید.

دوره چهارم نهضت معارف ایران در ۱۳۱۶ بود که انجمنی به اسم (انجمن تاسیس مکاتب ملیه ایران) تشکیل و بعدها به اسم انجمن معارف معروف شد و دارای نظامنامه مخصوصی برای تعمیم معارف و تاسیس مدارس جدید بود و عده [ای] هم از مدارس توسط انجمن مزبور تاسیس گردید و بعدها مدارس مزبوره از دولت کمک خرج دریافت می داشتند و تعداد این مدارس ۱۰ باب بود و از این عده مدارس بعضی مجانی و بعضی هم مختصر شهریه که از پنج قران تجاوز نمی کرد، دریافت می داشتند. روزنامه معارف و اساس کتابخانه ملی و ایجاد شرکت طبع توسط این انجمن به عمل آمد. در همین اوان وزارت خارجه مدرسه علوم سیاسی تهران را در ۱۳۱۷ تاسیس کرد و در سال بعد مدرسه فلاحه دایر گشت. عده [ای] از اروپاییان نیز از دولت ایران اجازه یافتند که در بعضی از شهرها مدارس دخترانه و پسرانه دایر کنند و مهتر آنها در تبریز و ارومیه و جلفا و سلماس و تهران و اصفهان دایر گردید. بودجه تمام معارف ایران که در این دوره از طرف دولت پرداخته می شد در سال سی هزار تومان و مخارج مدرسه علوم سیاسی را وزارت خارجه و مدرسه فلاحه را اداره خالصه جداگانه می پرداخت.

در اوایل مشروطیت ترقی محسوسی در جراید و مجلات و مطبوعات ایران آشکار شد و قریب سی روزنامه و مجله در شهرهای مختلف ایران و خارج از ایران دایر گردید. و بعد از مشروطیت مدارس دیگری نیز از قبیل



مدرسه آلمانی و روسی و ازامنه و غیره بر عده مدارس افزوده شد. یکی دو مدرسه دخترانه نیز در سالهای اول مشروطیت افتتاح شد ولی باز کمافی السابق اکثر اطفال در مکتب خانه‌ها تحصیل می‌کردند.

دوره پنجم ترقی معارف ایران در مشروطیت دوم شروع شد. در ۱۳۲۸ ق. بودجه معارف ۱۱۹۱۵۴۰ قران بود که از این مبلغ ۳۹۱۶۵۰ قران به مصرف دارالفنون ۱۱۳۶۰۰ قران به مصرف نظام و ۵۹۵۸۰ قران هم اعانه مدارس ملی و ۱۲۲۰۰۰ قران اعانه مدارس اروپایی و ۳۸۳۵۰ قران حق تحصیل شاگردان ایرانی در اروپا و ۲۷۵۰ قران اعانه مدارس ایرانی در خارجه بود. در سال ۱۳۲۹ در تمام ایران ۷۶ مدرسه ابتدایی پسرانه و ۴۷ مدرسه ابتدایی دخترانه بود که فقط به شهر تهران انحصار داشت و فقط یک مدرسه ابتدایی در نیاوران شمیران بود و در ولایات آنچه مدرسه بود، دولت اداره نمی‌کرد فقط اعانه به آنها می‌داد. و در این مدارس تهران ۱۰۵۳۱ شاگرد تحصیل می‌کردند (۸۳۴۴ پسر و ۲۱۸۷ دختر). اما مدرسه متوسطه در تهران فقط منحصر به شعبه متوسطه دارالفنون دارای ۸۶ شاگرد و شعبه متوسطه مدرسه سیاسی دارای ۶۸ شاگرد بود. عده محصلین مدارس عالیّه منحصر بود به ۱۸ نفر در شعبه «طب» دارالفنون و ۶ نفر در شعبه «مهندسی» دارالفنون و ۳۳ نفر در مدرسه سیاسی و ۱۰۰ نفر در مدرسه نظامی که روی هم رفته بالغ بر ۱۵۷ نفر می‌شد. با مدارس قدیمه و مکتب‌خانه‌ها تمام محصلین تهران ۱۴۸۴۲ نفر بود و عده تقریبی محصلین در بعضی شهرهای دیگر بدین قرار بود:

شیراز ۱۷۳۸ نفر، سلطان آباد ۷۸۰ نفر، زنجان ۷۵۳ نفر، مرند ۲۲۴ نفر در ۱۳۲۸ ق.

مجلس شورای ملی ایران قانون اداری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه را تصویب کرد و رسیدگی به امور تمام مدارس و تعلیمات مملکت به این وزارتخانه سپرده شد. اولین دستور تعلیمات مدارس ابتدایی و سه ساله متوسطه که وزارت معارف تدوین کرده در سال ۱۳۲۷ از تصویب گذشته است. در سنه ۱۳۲۹ قانون [ی] وضع گردید که به موجب آن وزارت معارف مکلف شد نه مدرسه ابتدایی شش کلاسه بدین ترتیب: ۵ مدرسه در تهران و چهار مدرسه در مشهد و شیراز و تبریز و کرمان تاسیس کند و برای هر یک از پنج مدرسه تهران ماهی ۲۵۰ تومان و برای هر یک از مدارس شهرهای دیگر ماهی ۲۰۰ تومان اعتبار تعیین شد که نصف از محصلین مجانی و نصف دیگر غیر مجانی باشند. در قانون اساسی معارف ایران که در ذی‌قعدة ۱۳۲۹ گذشته تعلیمات ابتدایی را برای تمام ایرانیان از سن هفت سالگی اجباری کردند و در نتیجه همین قانون نهضتی در تمام ایران شروع شد و مدارس جدید در اقصی نواحی مملکت حتی در خوزستان تاسیس گردید. در ۱۳۳۱ ق. دستور تعلیمات متوسطه و ابتدایی تجدیدنظر شد و در ۱۳۳۵ ق. مدرسه «فلاحات» رشت از ممر عواید تخم نوغان دایر گردید و این مدرسه تا زمان انقلاب گیلان دایر بود. در همان سال مدرسه متوسطه از وجوه اعانه در «مشهد» دایر شد. در سال ۱۳۳۳ ق. مدرسه «سیروس» که اولین مدرسه سه ساله متوسطه ملی بود در

تهران دایر گردید و مدتی برقرار بود تا جزو مدارس دولتی گردید. در همین زمان یعنی در ۱۳۲۸ ق. به تصویب مجلس شورای ملی ایران ۳۰ نفر جوان ایرانی را برای تحصیل در فنون مختلف به فرانسه و انگلستان فرستادند. مدرسه صنایع مستظرفه تهران دارای شعبه نقاشی و حجاری و قالی باقی به ریاست آقای میرزا «محمدخان غفاری کمال‌الملک» تاسیس شد و تا سال ۱۳۰۷ ش برقرار بود. در همین دوره مدارس فنی دیگر توسط ادارات دولتی تاسیس شد، از آن جمله بود مدرسه قزاقخانه، مدرسه ژاندارمری، مدرسه پلیس و غیره.

نسبت به زمانهای گذشته ترقی عمده‌تری در معارف ایران از سال ۱۲۹۷ شمسی شروع شد و اساس معارف بر پایه استواری گذارده شد و چند مدرسه عالی و دارالمعلمین و دارالمعلمات و دبستان بزرگان کرج و ۴۰ مدرسه ابتدایی مجانی در تهران تاسیس گردید. و به موجب قانون مخصوصی از عواید املاک اربابی مدارس ابتدایی در سرتاسر ایران در قراء و قصبات دایر گردید. مجله [ای] به نام اصول تعلیمات در ۱۲۹۸ انتشار یافت. سالنامه رسمی وزارت معارف در ۱۲۹۷ منتشر شد. شعبه علمی و ادبی مدارس کامل متوسطه از یکدیگر تفکیک گردید.

بودجه معارف که در ۱۲۹۶ به مبلغ ۱۳۴۴/۱۵۶ قران بود و در سال ۱۲۹۷ بالغ بر ۲/۶۰۹/۳۶۸ قران شد. در سال ۱۲۹۷ عده کل مدارس متوسطه و ابتدایی در ایران ۲۹۵ مدرسه بود که بیش از ۲۳۰۳۳ شاگرد در آنها تحصیل می‌کرده است. در سال تحصیلی ۱۳۰۱-۱۳۰۲ تمام مدارس ایران از ابتدایی و متوسطه و ذکور و اناث و عالی و مکاتب و مدارس قدیمه ۶۱۲ باب بود. و در آن ۵۵۱۳۱ شاگرد پسر و دختر تحصیل می‌کردند. در سال تحصیلی ۱۳۰۲-۱۳۰۳ عده مدارس به ۱۹۴۳ و عده شاگردان به ۹۶۳۶۷ رسیده و در سال تحصیلی ۱۳۰۳-۱۳۰۴ عده مدارس به ۲۳۳۶ و عده شاگردان به ۱۰۸۹۵۹ رسیده است.

در همین دوره نظارت در اوقاف مملکت شروع شد. بر عده مطابع و مطبوعات افزوده گشت و نظامات بسیاری برای معارف وضع گردید. دوایر وزارت معارف توسعه یافت. کلاسهای اکابر شبانه در نقاط مختلف دایر گردید.

بر عده مدارس ایرانی در خارجه از قبیل عراق و ترکیه و روسیه افزوده شد. مجامع علمی و ادبی بسیار در ایران دایر گردید. نظارت دولت در نمایشها و سینما و غیره عملی شد. روز به روز بر عده نشریات دولتی افزوده گشت و مجلات بسیار مانند مجله «فلاحات» و تجارت و بلدیه و پلیس و غیره تاسیس شد. ورزش در مدارس توسعه یافت و دارالمعلمین ورزش افتتاح شد.

از ۱۳۰۴ تاکنون که پادشاه بزرگ و زنده کننده ایران در تمام ارکان زندگی این کشور دمی از نو دمید و دگر باره جانی بخشید؛ جنبش واقعی معارف ایران نیز شروع شد و کار علم و معرفت براساس استواری گذاشته شد که تزلزل ناپذیر خواهد بود. بسط و توسعه معارف در این دوره اخیر نسبت به ادوار گذشته به هیچ وجه قابل قیاس نیست و در هر قسمتی



و ابتدایی ذکور و اناث و عالی که در داخله مملکت در این دوره دایر بوده و سال به سال بر آن افزون شده و این عده به هیچ وجه قابل قیاس با ادوار گذشته نیست. برای مدارس هر سال مقداری کثیر اناثه تازه خریداری کرده و بناهای جدید جالب توجه در اکتاف و اطراف مملکت ساخته‌اند و معلمین دانا و بصیر استخدام کرده‌اند. مدارس عالی مانند طب و حقوق و دارالمعلمین و مدرسه صاحب منصبی نظام و مدرسه فلاحت و دندانسازی و دواسازی و قابلیت و صنایع ظریفه و موسیقی هر سال نسبت به سال گذشته کامل‌تر و عده معلمین و شاگردان آن بیشتر شده [است]. شعبه تجارت در مدرسه عالی حقوق دایر شد. مدرسه عالی فلاحت با معلمین اروپایی افتتاح یافت، عده معتابه<sup>(۴۱)</sup> به معلمین اروپایی برای مدارس متوسطه و عالی استخدام و مدارس قدیم را اصلاح کردند و برای هر یک دستور تعلیمات مخصوصی نوشتند و طلاب را به امتحان ورودی و امتحانهای سالیانه و امتحان نهایی مکلف ساختند، حدود طلاب و مدرسین معقول و مقبول، مفسرین و وعاظ معلوم شد و کسانی را که دارای معلومات کافی نبودند منع کردند. در قانون نظام وظیفه توجه خاصی نسبت به معارف ظاهر شده است، چنان که مشمولین در تمام مدتی که مشغول تحصیل باشند از خدمت معاف می‌باشند و پس از ختم تحصیل اگر تحصیلات متوسطه کرده باشند شش ماه و اگر تحصیلات عالی کرده باشند، یک سال از مدت خدمت ایشان کاسته می‌شود.

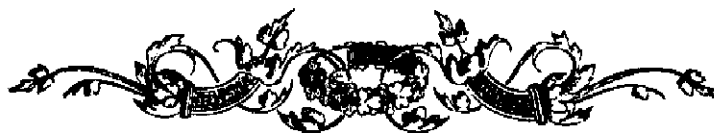
یکی از بهترین کارهایی که در این دوره انجام گرفته و از آرزوهای

پیشرفت به درجه‌ای است که اگر دلایل بین و محسوس در میان نباشد شاید باور کردن آن دشوار باشد. هر سال نسبت به سال دیگر ترقی آشکاری محسوس است و هم چنانکه مملکت هر روز قدمی بیشتر به سوی آبادانی و ترقی برمی‌دارد، علم و معرفت نیز در این پیشرفتهای تند شریک است.

در سال ۱۳۰۴-۱۳۰۵ عده تمام مدارس ایران ۳۲۸۵ و عده شاگردان آن ۱۳۷/۶۹۴ بوده، در سال ۱۳۰۵-۱۳۰۶ عده مدارس ۳۱۷۷ و عده شاگردان ۱۳۷/۴۹۶ بوده، در سال ۱۳۰۶-۱۳۰۷ عده مدارس به ۳۵۰۲ و عده شاگردان به ۱۵۰/۸۱۱ رسید. در سال ۱۳۰۷-۱۳۰۸ شماره مدارس به ۳۳۰۰ و شماره شاگردان ۱۵۳/۹۲۹ بود. در سال ۱۳۰۸-۱۳۰۹ عده مدارس ۳۶۴۴ و عده شاگردان ۱۶۳/۳۴۶ بود. در سال ۱۳۰۹-۱۳۱۰ عده مدارس ۳۶۴۳ و عده شاگردان ۱۸۱/۶۹۸ شد. در سال ۱۳۱۰-۱۳۱۱ مدارس ایران ۴۱۸۱ و شاگردان آن ۲۰۰/۹۲۶ نفر بوده‌اند.

بودجه وزارت معارف در ۱۳۰۴ به ۷/۷۳۱/۳۸۰ و در ۱۳۰۵ به ۱۱/۰۱۱/۰۰۳ و در ۱۳۰۶ به ۱۲/۱۱۳/۴۱۸ و در ۱۳۰۷ به ۱۶/۳۵۰/۲۳۷ و در ۱۳۰۸ به ۱۸/۴۸۳/۷۵۵ و در ۱۳۰۹ به ۱۸/۹۸۳/۷۵۰ و در ۱۳۱۰ به ۲۱/۲۷۰/۱۵۰ و در ۱۳۱۱ به ۲۶/۷۵۰/۳۷۰ و در ۱۳۱۲ به ۲۱/۲۷۰/۱۵۰ ریال رسیده است.

ترقی بسیاری که در این مدت در معارف ایران روی داده از همین ارقام پیداست و همین قدر به اختصار می‌توان اشاره کرد که عده مدارس متوسطه



دیرین ایران بود، فرستادن عده کثیر محصلین برای فرا گرفتن علوم مختلف به ممالک اروپا و آمریکا است. در ظرف پنج سال اخیر، هر سال یکصد نفر جوان ایرانی به خرج دولت برای تحصیل انتخاب شده‌اند و عده‌ای از ایشان که پس از خاتمه تحصیل برگشته‌اند، به کارهای مربوط گماشته شده‌اند.

گذشته از این عده خانواده‌های متمول و متوسط ایران هم از فرستادن فرزندان خود دریغ نکرده‌اند و همواره عده کثیری از جوانان برای تحصیل به اروپا و آمریکا رفته‌اند و چیزی که بیش از همه جالب توجه است این است که در میان این عده جمعی از دختران ایرانی نیز برای فرا گرفتن علوم اروپایی چه به خرج خود و چه از جانب دولت این سفر را بر خود هموار کرده‌اند. وزارتخانه‌ها و ادارات دیگر نیز هر یک به فراخور حاجات خود عده‌ای محصل به اروپا فرستاده‌اند. از آن جمله وزارت جنگ است که عده کثیری را فرستاده و از وزارت پست و تلگراف و وزارت مالیه و عدلیه و اداره فلاح و صنعت و وزارت طرق و شرکت نفت ایران و انگلیس نیز عده‌ای اعزام شده‌اند.

دیگر از کارهای مهم این مدت اصلاح کتابهای درسی مدارس ابتدایی و متوسطه است. چنان که در این مدت شش کتاب برای شش سال ابتدایی در نهایت زیبایی و با اسلوب بسیار جالب توجه تدوین یافته و دولت خود متصدی چاپ آن بوده است و به قیمت بسیار ارزان در تمام مملکت رواج داده است. و نیز به مباشرت و اعانه دولت مولفین درجه اول نیز هر یک در فن خود کتابهای درسی قابل توجه برای مدارس متوسطه انتشار داده‌اند و امروز کتابهایی که در مدارس ایران متداول است به هیچ وجه با کتابهای سابق قابل قیاس نیست. در سایر مطبوعات مملکت از جراید و مجلات و کتب نیز ترقی بسیار محسوس پیش آمده است. عده مطابع و مطبوعات در شهرهای ایران روز به روز رو به افزونی است و کتابهای چاپی امروز نسبت به ادوار گذشته کاملاً این ترقی را آشکار می‌سازد.

از کارهای مهم دیگری که در این دوره شده است تجلیل از بزرگان ایران و پاس خدمات مفاخر این مملکت است که ذات مقدس شاهانه توجه خاصی بدان می‌ورزند و در دوره‌های گذشته عمداً یا سهواً متروک مانده بود. چنان که مقابر بزرگان این مملکت را یا تعمیر کرده و یا از نو ساخته‌اند. و در هر هنگام که موقع مناسبی به دست آمده است از تکریم رجال ایران خودداری نکرده‌اند که مهمتر از همه جشن هزار ساله فردوسی بزرگترین شاعر ملی ایران است که در ۱۳۱۳ منعقد شد. و از آن جمله است ساختمان مقابر «فردوسی» و «خیام» و «سعدی» و «حافظ» و «کمال اسماعیل» و «محمدالله مستوفی» و غیره. در این میان توجه بسیار مهمی نسبت به آثار قدیم ایران ظاهر شده و تمام بناهایی را که در شرف انهدام بود از خطر نیستی نجات داده و با مبالغ خطیر تعمیر کرده‌اند و در نتیجه حفاریات علمی با اساسجه بسیار، ذخایر گرانبهای تاریخی را از زیر خاک بیرون آورده و چه بسیار نکات مهم بر تاریخ ادوار مختلف ایران افزوده شده است. امتیاز انحصاری حفاریات که در دوره جهالت به بیگانگان داده

شده بود، لغو شد. و از این پس آثار گرانبهای که از خاک ایران بیرون خواهد آمد در داخل مملکت خواهد ماند و دولت ایران مشغول ساختن موزه بزرگ جالب توجهی است که تمام آن اشیای نفیس منحصر را برای مطالعه تمام مردم دنیا در محل خاصی بگذارد.

تمام وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی ایران در بسط و انتشار علم و معرفت و تربیت جوانان ایرانی با یکدیگر هم‌آواز شده‌اند و مدارس بسیار در فنون مختلف از طرف هر یک از ایشان دایر شده مانند مدارس صاحب منصبی و متوسطه و ابتدایی نظام و مدرسه «نیابت» و مدارس واحدهای مختلف برای تربیت صاحب‌منصبان جزو از امینیه و سوارنظام و پیاده و توپخانه و غیره و مدرسه هواپیمایی، مدرسه قورخانه، مدرسه پست و تلگراف، مدرسه پلیس، کلاس قضایی، کلاس ثبت اسناد، کلاس امور مالی، کلاس بانک ملی، کلاس احصاییه، مدرسه صنایع مستظرفه، مدرسه عالی فلاح و غیره.

یکی از مهمترین کارهای این مدت توجه تام به امور تربیت بدنی و ورزش جوانان ایرانی است. چنان که قانون ورزش اجباری در مدارس به تصویب رسید و در تمام مدارس توجه خاصی نسبت به ورزش آشکار شد و همواره مسابقه‌های ورزشی در میان شاگردان مدارس برقرار است و عده کثیر از اطفال ایرانی در هر ناحیه جزو پیش‌آهنگی داخل شده‌اند. دارالمعلمین ورزش برای تربیت معلمین ورزش توسعه یافت، موسیقی در مدارس ایران عمومیت یافت و تعلیم آن جزو مواد دروس مدارس شد. دیگر از کارهای مهم این دوره توجه بلندی‌های شهرهای ایران به تربیت اطفال خردسال است. چنان که موسسات بسیار به توسط بلندی‌ها از قبیل دارالرضاعه‌ها و دارالایتام‌ها و دارالتربیت‌ها<sup>(۴۶)</sup> و غیره ایجاد شده است و عده کثیری از اطفال خردسال به سرپرستی دولت پرورش می‌یابند. نشریات دولتی توسعه کامل گرفت و وسایل و کتب بسیار مفید از جانب دولت طبع و نشر شد و مجلات متعدد مانند مجله فلاح، مجله بانک ملی و مجله ثبت اسناد و مجله پلیس و مجله پست و تلگراف و مجله گمرک و مجله قشون و مجله بلدی و غیره مرتباً انتشار می‌یابد. مجله تعلیم و تربیت که در اواخر دوره گذشته تعطیل شده بود دوباره انتشار یافت. در وزارت معارف اداره جدیدی با تشکیلات کامل به اسم اداره انطباعات برای تهیه وسایل طبع و نشر کتابهای مفید و تشویق از علما و مولفین و اصلاح دستور تعلیمات مدارس تاسیس شد و به کارهای بسیار مهم شروع کرده است.

سالنامه معارف ایران از سال ۱۳۰۶ تاکنون مرتباً انتشار یافته و هر سال اطلاعات بسیار دقیق و مهمی در باب اوضاع معارف ایران منتشر می‌سازد. در مدارس مختلف لابراتورها و کتابخانه‌های متعدد فراهم شده و محصلین مجامع علمی [را] برای تزئید معلومات خویش تشکیل داده‌اند و به همراهی معلمین خود به گردشها و سفرهای علمی می‌روند.

اصلاحات مهمی در دستور تعلیمات مدارس ایران پیش آمده و جنبه عملی را که تاکنون در مدارس ملحوظ نبوده، رعایت کرده‌اند. وزارت

معارف ایران در مجامع بین‌المللی علمی و تربیتی که در این مدت در هر مملکتی تشکیل شده، شرکت کرده و فواید بسیار از این حیث عاید مملکت شده است. در ولایات مدارس توسعه کامل گرفته و از این حیث به هیچ وجه قابل قیاس با سالهای پیش نیست و مدارس روستایی در دهات مختلف مملکت برای تربیت روستازادگان تاسیس شده [است]. ایلات ایران را که چندین هزار سال به حالت بدوی چادرنشین و بیابانگرد بودند، شهرنشین کردند و توجه خاصی در تربیت اولاد ایشان به کار بردند.

قانون طبابت که در دوره‌های پیشین متروک مانده بود، کاملاً مجری شده و تمام کسانی را که دعوی طبابت داشتند، امتحان کرده و کسانی را که لیاقت نداشتند از طبابت محروم کرده‌اند. و در تمام مملکت مرخص‌خانه‌ها و دارالمجانین‌ها و دارالمعجزه‌های متعدد ایجاد کرده‌اند و طبایب صحتی بلدی و ایالتی و ولایتی در هر گوشه و کنار گماشته‌اند. صحتی مدارس و توجه خاص به صحت نسل‌های آینده ایران کاملاً مورد توجه دولت ایران شده است.

کودکستانهای متعدد در هر ناحیه دایر شده [است]. مدارس خارجه نیز در ایران بسط و تکمیل یافته و دوره‌های متوسطه و عالی بر بسیاری از آنها افزوده شده، دستور تعلیمات مدارس ایران در تماس مدارس خارجه رواج یافته و تمام این مدارس تابع مقررات و نظامات و دستورهای وزارت معارف ایران شده‌اند و حدود خاصی برای ایشان معلوم کرده‌اند و ایشان را از دانش دوره‌های ابتدایی و تبلیغات مذهبی و سیاسی که باعث مشوب کردن ذهن خردسالان ایران بود، منع کرده‌اند.

دولت ایران توجه خاصی نسبت به مدارس ایرانی در خارجه معطوف داشته و معلمین و مدیران دانای بصیر فرستاده و بودجه آنها را به عهده خود گرفته است.

کتابخانه‌های سابق اصلاح و تکمیل و ترتیب یافته و بر عده کتب آنها افزوده شده و فهرست‌های منظم تدوین یافته و کتابخانه‌های جدید دایر شده و در هر شهری مقدار کتب لازم را در دسترس دانشمندان و محققین ایرانی گذاشته‌اند. کتابهای فارسی نایاب را که نسخه‌های آن در ایران نمانده بود با مخارج بسیار عکس برداشته و دوباره آن نسخه‌ها را برای استفاده دانشمندان مملکت به ایران آورده‌اند و وسایل طبع و نشر آن کتابها را فراهم ساخته‌اند.

در امور موقوفات مملکت اصلاحات بسیار مهم شده و از حیث و میلیهایی که در عایدات اوقاف می‌شد، جلوگیری کامل به عمل آمده، موقوفات آستان رضوی در کمال نظم درآمد و از عایدات آن بناهای بسیار مهم و تاسیسات علمی و صحتی از قبیل مدارس و مرخصخانه‌های بسیار جالب توجه ساخته شده، مدرسه عالی «سپهسالار» برای تحصیلات عالی علوم دینی و ادبیات و فقه مانند دارالعلم‌های ممالک متمدن آماده شده و عده‌ای از طلاب در آن مشغول تحصیل‌اند.

اصلاحات اجتماعی مهمی در ایران به عمل آمده و روح ملی ایران از هر حیث قوی شده و بنیان آن را براساس محکمی نهاده‌اند و ایرانی را از آن

حال دست نشاندگی و زبونی ادوار گذشته بیرون آورده و در جرگه ملل مستقل آزاد متکی به خود قرار داده‌اند و در تمام ارکان زندگی روح ملیت دمیده شده است. اقدامات بسیار موثری در ترویج زبان فارسی به عمل آمده و قدمهای مهمی در تصفیه زبان و پیراسته کردن آن از عناصر خارجی برداشته شده است. و اصطلاحات تازه به زبان فارسی وضع کرده‌اند و کلماتی مانند دانشگاه برای «اونیورسیتیه» و دانشکده برای «فاکولته» و «دبیرستان» را برای مدرسه متوسطه و «دبستان» را برای مدرسه ابتدایی و «آموزگار» را برای معلم ابتدایی و «دبیر» برای معلم متوسطه و «استاد» برای معلم مدرسه عالی و «دانش سر» برای دارالمعلمین و امثال آن رواج یافته است.

همواره قوانین و نظامات بسیار مفید برای بسط و اصلاح معارف ایران تصویب می‌شود و مهمترین قانونی که در این زمان وضع شده و مشغول تهیه وسایل اجرای آن هستند، قانون دانشگاه تهران است که شامل دانشکده طب و دواسازی و دندانسازی و دانشکده حقوق و علوم سیاسی و علوم اقتصادی و علوم اداری و دانشکده ادبیات و علوم و دانشکده معقول و منقول خواهد بود.

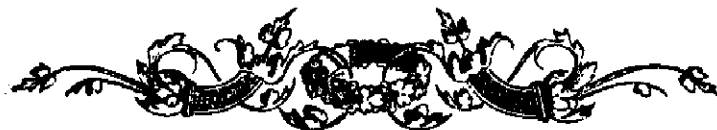
[حاشیه ۱] به شورای عالی احصاییه تقدیم شود. ۱۳/۸/۳۰ [۱۳] امضای غلام علی رعذ آذرخش]

[حاشیه ۲] تاریخچه مطابق آخرین دستور به شورای احصاییه تقدیم شد.

[آموزش و پرورش الف ۱۷۶/۳۰۷/۵۸۰۰]

### پی‌نوشت مسند:

- ۳۴ - اصل: آن زیار
- ۳۵ - اصل: ایتالیا و ملاند
- ۳۶ - اصل: کرمیط
- ۳۷ - اصل در همه جا: طهران
- ۳۸ - اصل: نهار
- ۳۹ - واژه فرانسه به معنی «وطن».
- ۴۰ - واژه فرانسه به معنی «بزاوگ ایران».
- ۴۱ - اصل: محتئ به
- ۴۲ - اصل: دارالفریه‌ها



تاریخ علم و معارف در ایران در مدت بیش از دو هزار و پانصد سال که آثار تمدن ایرانی باقیست درخور کتاب بسیار بزرگ است و این مختصر فقط شامل کلیات اقدامات است که در زمانهای اخیر در نتیجه اقتباس معارف اروپا حاصل آمده است :  
 نژاد ایرانی از نخستین روزی که با بدایره تمدن گذاشته نسبت به معارف توجه خاصی داشته و علم و فرهنگ را دوست میداشته و در رواج آن میکوشیده است . زود شش پانصد سال قبل از میلاد است که کودکان را در پنج سالگی بدست میسپارند ، در زمان هخامنشیان ایرانیان از پنج سالگی فرزندانشان خود را بتعلیم و تربیت میگماشتند .  
 ایران با وجود داشتن علما و دانشمندان بزرگ از اهل علوم همسایگان هم خود را در آن نگذرد و از هر جا ممکن شده است برخزانه دانش خود افزوده است .

هنگامی که دولت کلدی و آشوری بدست هخامنشیان منقرض شد ایرانیان وارث علوم قدیم کلدی و آشوری شدند و نجوم و حکمت و ریاضیات و طب را اخذ کردند و پس از آنکه روابط ایران و یونان توسعه یافت و ایرانیان ممالک یونانی نشین را متصرف شدند حکمت و طب یونانی نیز بایران آمد و حتی پادشاهان هخامنشی بزرگان علمای یونان را بایران دعوت میکردند . در زمانی که ایرانیان مرا را نیز فتح کردند علم مصریان قدیم را مانند کیمیا و طب و اخترشناسی پذیرفتند .  
 در دوره ساسانیان از جمله وظائف رسمی روحانیان ایران یعنی موبدان تعلیم و تربیت فرزندان ایران بود و در ضمن همان روابط علمی با یونان ادامه داشت و بلکه بیشتر شد زیرا که در نتیجه بسط تمدن یونانی در آسیای صغیر شهرهای ادنی و نسیب و انداکیه و اسکندریه مراکز علمی دنیا شدند و ایرانیان از آموزگاران معروفی که در این شهرها بودند علوم را اخذ میکردند به همین جهت علمای ایران زبان سریانی را برای فراگرفتن علم میآموختند و کم کم مدارش شهر گند شاپور در خوزستان و بیمارستانهای آنجا طلاب ایرانی را از شهرهای دیگری نیاز کرد . در همین زمان روابط ایران با هند و چین توسعه گرفت و علم و صنایع هندی و چینی نیز در ایران راه یافت و به همین جهت در زمان ساسانیان مقدار کثیری کتابهای مختلف در هر علمی چه بزبان سریانی و چه بزبان پهلوی در ایران تالیف گردید که تا مدت‌ها بعد در دوره اسلامی منب عده معارف ایران ترجمه های فارسی پاره ای همان کتابها بود . در این دوره صنایع ظریفه مانند موسیقی و معماری و نقاشی در ایران ترقی کرد ، موسیقی ایرانی خالد رسید آمد و معماران نیز از نفوذ های خارجی بهره‌مند شدند و در دوره اسلامی معماران ایران معماران ساسانیان را اصلاح کردند و برزیبایی و جلال آن افزودند و معماری دوره اسلامی ایران که مخصوصاً در عهد سلجوقیان و در زمان مغول و در دوره صفویه ترقی کرد پدیدار شد . در آغاز تاسیس معارف اسلام ایرانیان شرکت عده داشتند و همواره در هر عصری در تمام شعب علم و مدار اسلامی بزرگترین علمای اسلام ایرانیان بودند و چون زبان عربی زبان علمی ملی مسلمانان شده بود مولفات عده خود را باین زبان پرداختند .  
 اصلاح نهضت علمی اسلام در قرن اول و دوم هجری کار ایرانیانست و تعلم علم متداول هر خود را از زبان سریانی و پهلوی پسری نقل کردند و علمای ایرانی که شاگردان همان دانشمندان ساسانیان بودند طلاب مسلمان را بمعرفه معارف زبان خود آگاه ساختند و بزرگان ایران در شهرهای معروف ایران و حتی در شهرهای کوچک مساجد و بیمارستانها را بسیار متعدد برای پرورش علما ساختند و موقوفات بسیار گذاشتند و دوره های بسیار در تاریخ ایران پدید آوردند که در آن ادوار تمام رشته های علم و ادب و صنایع در دربارهای ایران ترقی بسیار نمود مانند دوره برمکیان در بغداد و در دینور و شهر زوز و انبار و کوفه و غیره دوره ساسانیان در سمرقند و بخارا و بلخ و هرات و مرو و بلخ و دوره آن زمان در کرتان وین و اصفهان و دوره آل بویه در قم و همدان و بغداد و نیشابور و دوره غزنویان در غزنین و بسط و مرو (که در آن زمان جزو قلمرو ایران بود) و نیشابور و دوره سلجوقیان در تمام ایران و قسمت اعظم از قلمرو اسلام از یک سو در کرمان و از سوی دیگر در بخارا و مرو و ازبکستان و در آذربایجان و ارمنستان و درجستان و ازبکستان و در اندلکستان

و شلم و از جانب دیگر در بغداد و بصره و دوزخ خوارزمشاهیان در خوارزم و ماوراءالنهر و در همدان و ری و اصفهان و دوره مغول در مراغه و سلطانیه و بغداد و دوره گورکانیان در هرات و کابل و قندهار و دوره صفویه در اصفهان و مشهد و قزوین . در تمام این مدت متجاوز از هزار سال هرگز ایران از دانشمندان بزرگ و هنرمندان در هر فن خالصی نبوده و در عصری تالیفات بسیار در علم مختلف شده است که معارف جدید اروپا دنباله مسلم آن بود و قطعا اگر ایرانیان در هر رشته ای مباحثات و کشفیات و اختراعات نکرده بودند تمدن و معارف امروز بدین پایه نمیرسید زیرا مسلم است که در فراهم آوردن این اساس علمی امروز دنیا سه نم بیشتر شرکت نکرده اند ، نخست یونانیان و رومیان قدیم ، دوم ایرانیان ، سوم اروپائیان از اواخر قرن یازدهم تا اوایل قرن سیزدهم مدت متجاوز از صد سال ایرانی گرفتار افشاشات داخلی بود و سلسله دول پادشاهان ایران یک یک جانشین یک دیگر میشدند و هران دانشمندان ایران و سایرین امن و رفاه و تکمیل معارف پدران خود فراهم نبود تا چار ایران از کاروان علم و معرفت باز برماند و ملل اروپا در راه دانش ریش افتادند . در ایران در اواسط قرن سیزدهم هجری توجهی نسبت به معارف جدید پدیدار شد و دولت ایران در جدد درآمد از علوم اروپا استفاده کنند و در همین زمان طرز تعلیم و تربیت فرانسوی در ایران رواج پیدا کرد پیراز آن نیز در زمان صفویه مخصوصا شاه عباس اول نهضتی در ایران برای قبول فنون جدید اروپا پدیدار گشته بود و استادانی از بعضی ممالک اروپا بخدمت ایران دعوت شده بودند ، روابط ایران و اروپا در قرن دهم هجری شروع شده ولی منتها بسط آن در زمان شاه عباس اول بود که مبلغین و مسافران اروپائی برای مقاصد سیاسی یا تجاری به ایران میآمدند و در بازگشت کتابهایی در باب ایران میفرستادند و بعضی کتابهای علمی و ادبی ایران را ترجمه میزدند یا بالعکس کتب مفیدندارارا بزبان فارسی نقل میکردند ، چنانکه از سنه ۱۰۴۳ هجری تا ۱۰۹۱ هجری چندین کتاب مذهبی و فرهنگی از لاتین بخاری و بالعکس ترجمه شده در نتیجه همین روابط و مخصوصا توجهی که اروپائیان به هندوستان که فارسی زبان رسمی آن بود داشتند از آغاز قرن سیزدهم هجری توجه خاصی در اروپا نسبت به معارف ایران و ادبیات و زبان فارسی پیدا شده و عده کثیری از دانشمندان هرملطقی بغرا گرفتن این فنون پرداختند که اینان را مستشرقین نامیدند و تا امروز نیز مشغول مباحثات خود هستند و خدمات بسیاری به معارف ایران کرده اند و کتب بسیاری از فارسی بالسنه خارجه از سال ۱۰۲۳ ر تا ۱۱۹۲ نوشته و چاپ کرده اند .

توجهی که در ایران نسبت به معارف جدید پدید آمد روز بروز در افزونی بود و در آن زمان یعنی در اواسط قرن سیزدهم هجری ناهای بسیار در جلب منابع جدید بایران کردند از آن جمله تعمیم آبله کوئی و مؤندسی و نفاشی رنگ و روشن بود یکی از کارهای عده دیگر اعزام محصلین ایرانی به اروپا بود و نخستین بار در سال ۱۲۲۵ بکتفرا برای تحصیل طب به انگلستان فرستادند و سپرد در ۱۲۳۱ ر پنج تن دیگر را برای فرا گرفتن علم مختلف به انگلستان روانه کردند دیگر از کارهای عده این زمان آن بود که در سال ۱۲۴۲ ر در جدد برآمدند جمعی کثیر مهاجرین اروپائی را برای آباد کردن و ترقی دادن آذربایجان بآن دیار جلب کنند و عده مساعدتهای بسیار کردند ولی پراز کوششها در چندین سال بواسطه موانع سیاسی کامیاب نشدند بزرگترین ندمی که در رواج معارف جدید اهمیت بسیار داشت تأسیس چاپخانه و صنعت طبخ در ایران است و کتب فارسی و عربی از سنه ۹۱۵ ق در بعضی ممالک اروپا از فیلیز ایطالیا و هانزد و سایر نقاط از قبیل استانبول و کلکت و معر شروع شد و نخستین کتاب بزبان فارسی توسط تورانی است که بچهار زبان که یکی از آنها فارسی است در ۹۵۲ هجری در استانبول از چاپ بیرون آمده در زمان صفویه مشایخ نیز به ایران آمده بود چنانکه جمعیت مبلغین کرملیط در اصفهان چاپخانه داشته اند و ارمنه جلفا نیز مبلغه بران خط و زبان خود دایر کرده بودند در سال ۱۰۵۰ کتابی بعنوان (زندگانی اجداد روحانی) در آن مایعه چاپ شده است و در باره صفویه نیز چندین در جدد آوردن مطبعه فارسی بایران بوده ولی این کاری نتیجه ماند ، اولین مطبعه در ایران بسال ۱۱۹۹ هجری وارد ایران شده ولی از مطبوعات آن چیزی بدست نیست و اولین مطبعه ایکه انتشار آن بدست است مایعه چاپ سوری است که در حدود ۱۲۲۷ ق